



وزارت جهاد کشاورزی
سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی
معاونت آموزش و ترویج کشاورزی

تاریخ شفاهی کشاورزی در قرن اخیر

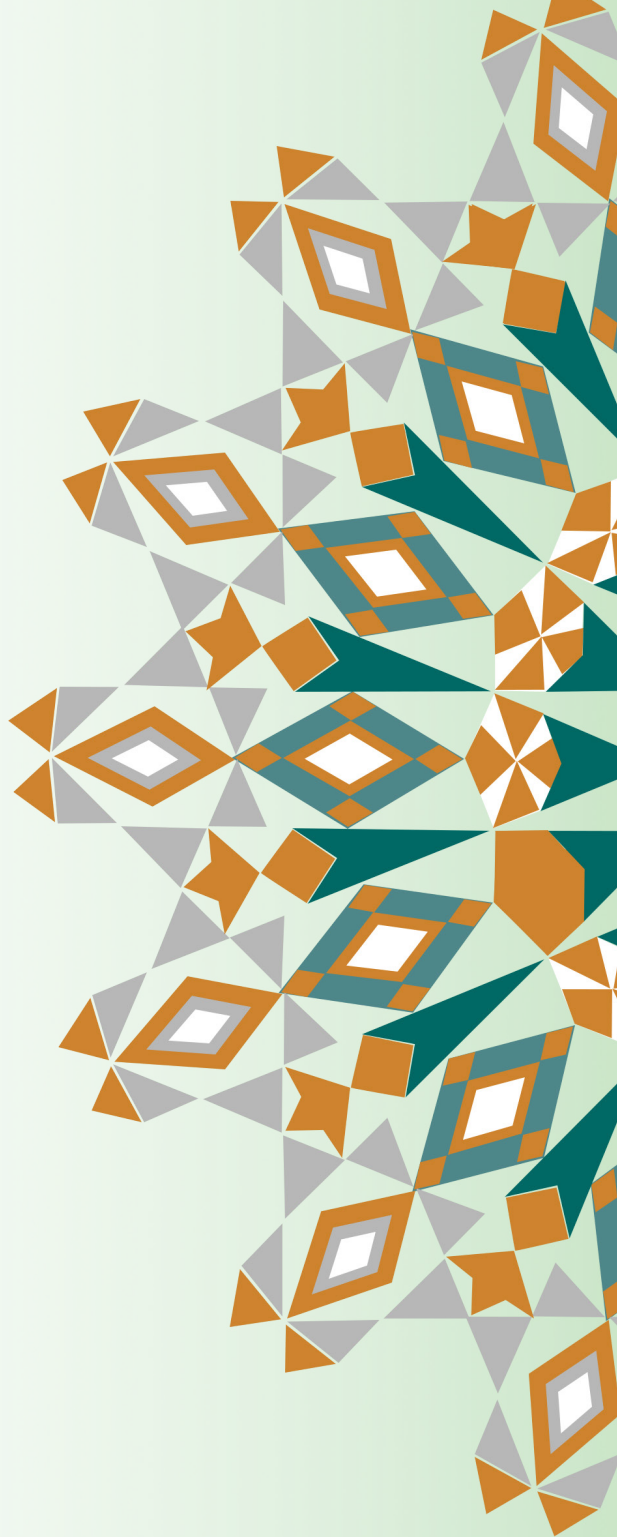
قسمت بیست و دوم: گفت و گو با آقای دکتر صفدر حسینی

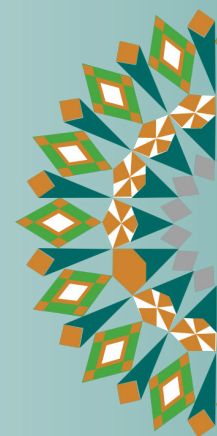


به کوشش: اسکندر زند، مهدی خلیج، علی اکبر مؤیدی، خداکرم جلالی، سید کریم موسوی و علیرضا سید اسحاقی

۱۴۰۴

۱۵۳۹





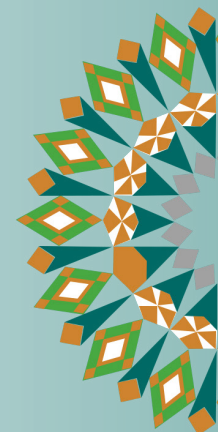


سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی
معاونت آموزش و ترویج



تاریخ شفاهی کشاورزی در قرن اخیر

❖ قسمت بیست و دوم: گفت و گو با آقای دکتر سیدصفدر حسینی



سرشناسه	: حسینی، سیدصفر، ۱۳۳۲ - مصاحبه‌شونده
عنوان و نام پدیدآور	: تاریخ شفاهی کشاورزی در قرن اخیر، قسمت بیست و دوم: گفت و گو با آقای دکتر سیدصفر حسینی/به کوشش اسکندر زند...[و دیگران]؛ مدیر داخلی فتح‌اله بهرامی؛ تهیه‌شده در معاونت آموزش و ترویج کشاورزی، دفتر شبکه دانش و رسانه‌های ترویجی؛ [برای] سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، معاونت آموزش و ترویج کشاورزی، تهران؛ سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، معاونت ترویج، نشر آموزش کشاورزی، ۱۴۰۴.
مشخصات نشر	: ۴۹ ص.
مشخصات ظاهری	: شابک 978-622-363-101-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: به کوشش اسکندر زند، مهدی خلج، علی‌اکبر مؤیدی، خداکرم جلالی، سیدکریم موسوی، علیرضا سیداسحاقی.
موضوع	: حسینی، سیدصفر، ۱۳۳۲ - - مصاحبه‌ها
موضوع	: کشاورزی -- ایران Agriculture -- Iran مدرسان -- ایران -- مصاحبه‌ها College teachers -- Iran -- Interviews
شناسه افزوده	: زند، اسکندر، ۱۳۴۶ -، مصاحبه‌گر
شناسه افزوده	: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، دفتر شبکه دانش و رسانه‌های ترویجی
شناسه افزوده	: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، معاونت آموزش و ترویج
شناسه افزوده	: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، معاونت ترویج، نشر آموزش کشاورزی
رده بندی کنگره	: ۵۴۷۱
رده بندی دیویی	: ۶۳۰/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۱۷۹۹۸۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیا

ISBN: 978-622-363-101-6

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۶۳-۱۰۱-۶



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

عنوان: تاریخ شفاهی کشاورزی در قرن اخیر، قسمت بیست و دوم: گفت و گو با آقای دکتر سیدصفر حسینی
به کوشش: اسکندر زند، مهدی خلج، علی‌اکبر مؤیدی، خداکرم جلالی، سید کریم موسوی و علیرضا سید اسحاقی
مدیر داخلی: فتح‌اله بهرامی
تهیه شده در: معاونت آموزش و ترویج کشاورزی، دفتر شبکه دانش و رسانه‌های ترویجی
طراح و صفحه‌آرا: نرگس بهادر
ناشر: نشر آموزش کشاورزی
شمارگان: محدود
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۴

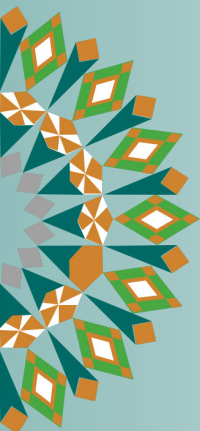
شماره ثبت در مرکز فن آوری اطلاعات و اطلاع رسانی کشاورزی ۳۱۴۰۴۲۰ به تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۷ است.

نشانی: تهران، خیابان آزادی، بین نواب و رودکی، پلاک ۲۰۵، معاونت آموزش و ترویج کشاورزی

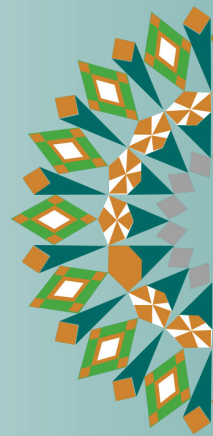
تلفن: ۶۶۴۳۰۴۶۵ | تلفکس: ۶۶۴۳۰۴۶۴ | کد پستی: ۱۴۵۷۸۹۶۶۸۱

نام و نام خانوادگی:

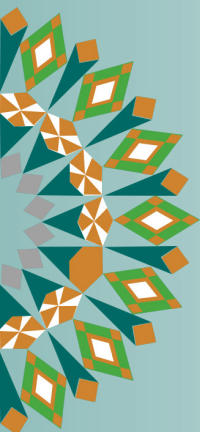
دکتر سیدصفدر حسینی، استاد برجسته دانشگاه تهران و از چهره‌های شاخص اقتصاد و مدیریت کشور، در سال ۱۳۳۳ در روستای گورپرویز شهرستان دزپارت (دهدز) از توابع استان خوزستان دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در خوزستان به پایان رساند و سپس در رشته اقتصاد کشاورزی وارد دانشگاه شیراز شد. پس از دریافت مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد، برای ادامه تحصیل راهی کانادا شد و در سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵ میلادی) با درجه ممتاز، دکترای اقتصاد کشاورزی خود را از دانشگاه ساسکاچوان دریافت کرد. پس از بازگشت به ایران، به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران درآمد و در دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی به فعالیت علمی و آموزشی پرداخت. وی علاوه بر تدریس و پژوهش، مسئولیت‌هایی همچون مدیر گروه اقتصاد کشاورزی، عضو کمیسیون نشریات وزارت علوم، و مدیرمسئول فصلنامه علمی اقتصاد کشاورزی را نیز بر عهده داشته و نقش مؤثری در هدایت پژوهش‌های سیاست‌محور در حوزه اقتصاد منابع، توسعه روستایی و اشتغال ایفا کرده است. دکتر حسینی در کنار فعالیت‌های دانشگاهی، سابقه‌ای پر بار در عرصه مدیریت اجرایی دارد. وی مشاور رئیس سازمان برنامه و بودجه، استاندار چهارمحال و بختیاری (۱۳۷۹-۱۳۷۶)، معاون امور تولیدی سازمان مدیریت، وزیر کار و امور اجتماعی (۱۳۸۳-۱۳۸۰)، وزیر امور اقتصادی و دارایی (۱۳۸۴-۱۳۸۳) و رئیس هیئت عامل صندوق توسعه ملی (۱۳۹۵-۱۳۹۲) بوده است. در دوره وزارت کار، با تدوین و اجرای طرح جامع ساماندهی اشتغال، تمرکز بر آموزش‌های مهارتی، گسترش مراکز فنی و حرفه‌ای و تقویت بیمه‌های اجتماعی، گام‌های مؤثری در بهبود شرایط کار و ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی



کشور برداشت. در وزارت اقتصاد نیز اصلاح ساختار مالیاتی، ارتقای شفافیت نظام مالی، توسعه ابزارهای مالی اسلامی، تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تقویت سیستم بانکی و کنترل تورم از جمله مهم‌ترین اقدامات وی به‌شمار می‌رود. در دوره مسئولیت در صندوق توسعه ملی، با طراحی سازوکارهای شفاف تخصیص منابع و جهت‌دهی اعتبارات به پروژه‌های زیرساختی و تولیدی، نقش بسزایی در تقویت بنیان‌های اقتصادی کشور ایفا کرد. او همچنین در تدوین برنامه‌های توسعه سوم و چهارم کشور، به‌عنوان یکی از طراحان اصلی سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر عدالت، توسعه پایدار و دانش‌محوری حضور داشته است. سبک مدیریتی دکتر حسینی بر مبنای تحلیل علمی، شفافیت، پاسخ‌گویی، قانون‌مداری و بهره‌گیری از شواهد تجربی استوار بوده است. وی با نگارش و انتشار بیش از صد مقاله علمی و پژوهشی و مشارکت در نشست‌ها و مجامع ملی و بین‌المللی، یکی از چهره‌های تأثیرگذار در پیوند میان علم، آموزش و سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران به‌شمار می‌رود.



تاریخ مانند آینه‌ای است که با نشان دادن گذشته، حرکت به جلو و آینده را آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌کند. از این رو هدف اصلی تاریخ، نه شناخت گذشته، بلکه درک بهتر زمان حال است. کشاورزی نیز از مقوله‌هایی است که تاریخی کهن داشته و باید از این پیشینه، تجربیات، و دانش سنتی نهفته در آن برای آینده درس گرفت. کشاورزی طی اعصار تاریخی در ایجاد مدنیت و تشکیل تمدن‌ها نقش مهمی داشته و بی‌توجهی به آن در مقاطعی از تاریخ زمینه‌ساز اضمحلال تمدن‌ها شده است. بشر از بیش از ده هزار سال قبل برای به دست آوردن غذا شروع به کاشت گیاهان و پرورش حیوانات کرد و این کار را کشاورزی نامید و از آن زمان تاکنون کشاورزی دستخوش تغییرات زیادی شده و چهار نسل کشاورزی را طی کرده است. کشاورزی نسل ۱ از ۱۰ تا ۱۲ هزار سال قبل شروع و تا قرن نوزدهم ادامه داشت، در این دوره کشاورزی اساساً با کار بدنی زیاد انجام می‌شد و ریشه در روش‌های سنتی داشت. کشاورزی نسل ۲ در قرن نوزدهم و هم‌زمان با انقلاب صنعتی آغاز شد؛ انقلابی که بر همه جنبه‌های زندگی انسان تأثیر عمیقی گذاشت و در این میان، کشاورزی نیز دستخوش تغییرات جدی شد. مهم‌ترین تأثیر انقلاب صنعتی، کاربرد گسترده ماشین‌آلات و نهاده‌هایی مانند کود، سم و بذور اصلاح شده در کشاورزی بود و به دلیل پیامدهای محیط‌زیستی حاصل از مصرف نهاده‌ها، آلودگی آب و خاک و فرسایش تنوع زیستی و تهدید سلامت انسان و دیگر موجودات، انسان به فکر نوعی از کشاورزی افتاد که آن را کشاورزی پایدار نامید. به دنبال این تفکر و پیشرفت‌های به‌وجود آمده، موضوع کشاورزی دقیق باعنوان کشاورزی نسل ۳ مطرح شد و استفاده بهتر و بهره‌ورانه‌تر از نهاده و همچنین کیفیت و سلامت محصولات، بسیار مورد توجه قرار گرفت. از اوایل سال ۲۰۱۰ پیشرفت فناوری‌هایی مانند حسگرها، ریزپردازنده‌ها، ارتباطات سلولی پهن باند، سیستم‌های مبتنی بر رایانش ابری و تجزیه و تحلیل کلان داده‌ها باعث رشد فزاینده‌ای در کشاورزی دقیق شد و با ورود هوش مصنوعی و ارتباطات ماشین به ماشین نظیر اینترنت اشیا از اوایل سال ۲۰۱۴ کشاورزی نسل ۴ تحت عنوان کشاورزی هوشمند مطرح شد.



با مروری بر تاریخ کشاورزی جهان و انطباق آن با کشاورزی ایران، به این نتیجه می‌رسیم که هر چند کشاورزی ایران عمده‌تاً در نسل دوم و در حال حرکت به سمت نسل سوم است، ولی هنوز نمونه‌هایی از کشاورزی نسل اول نیز به‌طور محدود و کم‌رنگ در برخی از روستاهای ایران یافت می‌شود. در خصوص کشاورزی نسل چهارم هنوز دنیا در ابتدای راه است و در ایران نیز علاقه‌مندی به حرکت در این مسیر دیده می‌شود و نمونه‌هایی از هوشمندسازی در سامانه‌های آبیاری و صنایع پرورش دام، طیور و آبزیان و گلخانه‌ها را نیز در بخش‌هایی از کشور می‌توان مشاهده کرد.

به‌رغم مطالب فوق، متأسفانه کشاورزی ایران بر خلاف بسیاری از رشته‌ها، هنوز از تاریخ مدونی برخوردار نیست. البته برخی از محققان و علاقه‌مندان برای تاریخ‌نگاری کشاورزی ایران تلاش‌های فراوانی کرده‌اند، ولی از آنجا که ایران کشوری با پیشینه‌ای غنی است و یکی از مراکز مهم پیدایش کشاورزی جهان نیز محسوب می‌شود، آنچه تاکنون انجام شده بخش کوچکی از این تاریخ است و شایسته است که در آینده، تاریخ کشاورزی ایران بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

مجموعه حاضر به‌منظور کمک به ثبت برخی از تجربیات ۵۰ سال گذشته و مرور بر مقطع کوتاهی از تاریخ کشاورزی ایران طراحی شده است. در این مجموعه سعی شده است تجارب و نقطه‌نظرات چند گروه از صاحب‌نظران بخش کشاورزی کشور شامل وزرای کشاورزی، برخی از رؤسای کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط‌زیست مجلس شورای اسلامی و تعدادی از صاحب‌نظران دانشگاهی و غیردانشگاهی بخش کشاورزی در قالب مصاحبه حضوری یا به‌صورت مکتوب اخذ شود. شایان ذکر است که بدین‌منظور، از همه وزرای وزارت کشاورزی، بعد از انقلاب اسلامی، وزارت جهاد سازندگی و جهاد کشاورزی دعوت به عمل آمد و خوشبختانه با استقبال اکثریت آن‌ها مواجه شد. از بین این شخصیت‌ها، جناب آقای دکتر صادق خلیلیان به دلیل مکتوب‌سازی تجربیات در قالب کتابی که در دست تدوین است، علاقه‌مندان را به مطالعه این مجموعه ارزشمند که به زودی در اختیار قرار خواهد گرفت، راهنمایی کردند.

این مجموعه، هم به صورت یک کتاب جامع (که در آن همه نظرات صاحب نظران تجمیع خواهد شد) و هم به صورت کتاب تک نگاشت (که در آن نظرات هر یک از صاحب نظران به صورت جداگانه وجود دارد) چاپ و روی درگاه تاریخ شفاهی مؤسسه آموزش و ترویج کشاورزی به آدرس tka.iate.ir و تالار ترویج دانش و فنون کشاورزی به آدرس Agrilib.areeo.ac.ir نیز بارگذاری خواهد شد. علاوه بر این زیرپورتال اختصاصی به آدرس Tka.iate.ir برای تاریخ شفاهی کشاورزی در سایت مؤسسه آموزش و ترویج کشاورزی طراحی شده است. امیدواریم که این حرکت کوچک بتواند آیندگان و علاقمندان را با بخشی از دیدگاه‌های بزرگانی که در این مجموعه، نظرات ارزشمند خود را در اختیار قرار دادند آشنا کند و از این تجارب گرانبها و نظرات راهبردی برای تحول آینده کشاورزی ایران به‌عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر استفاده شود.

از همه بزرگوارانی که ما را در مراحل مختلف تدوین این مجموعه همراهی کردند به ویژه دوستان در معاونت آموزش و ترویج کشاورزی و حوزه مشاوران وزیر که نام آن‌ها در فهرست ذیل آمده بسیار سپاسگزاریم. آقای دکتر سید کریم موسوی (قائم‌مقام و معاون اداری و مالی)؛ آقای مهندس جمشید پیشکار (مدیر حوزه ریاست)؛ سرکار خانم مهناز نصرالهی (مدیر روابط عمومی)؛ آقای محمود نوری (مسئول دفتر مشاوران وزیر)؛ آقای فتح اله بهرامی (رئیس گروه رسانه‌های ترویجی)؛ نرگس بهادر (کارشناس گروه رسانه‌های نوشتاری و طراح و صفحه‌آرا)؛ آقای سینا مقدمی (مسئول رایانه و فن آوری اطلاعات)؛ سرکار خانم شهره حکیمی (تنظیم متن گفت و گو)؛ سرکار خانم زهره آقاجانی (ویراستار)؛ آقایان بهزاد عموجعفری و محمد روستائی (تصویربرداران)؛ آقای مهدی ساروقی (مسئول فنی)؛ آقای مهدی فیروزیار (عکاس)؛ آقایان ایمان میروردی‌زاده و مهدی طاهرپور (امور هماهنگی)؛ آقای محمد کاشانی (حمل و نقل).

کمیته تدوین تاریخ شفاهی کشاورزی ایران

اسکندر زند، مهدی خلج، علی‌اکبر مؤیدی، خداکرم جلالی، سیدکریم موسوی،

علیرضا سید اسحاقی و شهلا لجم اورک رمه چری

❖ دکتر خلیج:

بسم الله الرحمن الرحيم، عرض سلام خدمت جناب آقای دکتر سیدصفدر حسینی و تشکر از این که در مصاحبه تدوین تاریخ شفاهی کشاورزی شرکت کردید. جناب آقای دکتر استاد دانشگاه تهران هستند. مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته اقتصاد کشاورزی را در دانشگاه شیراز و دکتری اقتصاد کشاورزی را در کشور کانادا سپری کردند. مسئولیت‌های متعددی داشتند و در بدو امر ضمن اشتغال در وزارت کشاورزی، در مسئولیت سازمان تعاون روستایی استان خوزستان و مدیرعامل شرکت خدمات کشاورزی حمایتی را عهده‌دار بودند. بعد از آن مسئولیت‌های متعددی از جمله مشاوره سازمان برنامه و بودجه، استاندار چهار محال و بختیاری، وزیر کار و امور اجتماعی و همچنین وزیر اقتصاد و رئیس هیأت عامل صندوق توسعه ملی را بر عهده داشتند.

این رزومه مختصری است که عرض شد و اگر ضرورت داشت آقای دکتر آن را تکمیل خواهند کرد. همان‌طور که جناب آقای دکتر زند به اطلاع جناب‌عالی رساندند، هدف این مصاحبه استفاده از نگاه و دیدگاه شخصیت‌های فعال عرصه کشاورزی برای اصلاح و تکامل برنامه‌های آینده است. حضرت‌عالی مستحضر هستید که واژه‌ای مثل امنیت غذایی خیلی پرتکرار شنیده می‌شود و شاید یکی از اثرات و برکات این گفتمان‌سازی منجر به این مهم شده است که مولفه‌های آن هم بیش‌تر مورد بررسی قرار گیرد. از طرف دیگر واژه‌ای به نام تحول کشاورزی مورد تمرکز قرار گرفت، جلسات متعددی روی آن برگزار شده که ابعاد مختلفی مانند جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی دارد. در این مسیری که طی کرده‌ایم به این نتیجه رسیده‌ایم که شاید نگاه علمی و فنی به بخش کشاورزی به طور

معمول خوب صورت گرفته ولی جنبه‌های اجتماعی و خصوصاً جنبه‌های اقتصادی‌اش مغفول مانده است. بنابراین برای این که نگاه و توجه متوازن و متعادلی به همه این ابعاد داشته باشیم، سعی شد از شخصیت‌هایی که شاید به طور عموم با همه ابعاد آشنا باشند ولی تمرکز فعالیت و تحصیلات‌شان در موضوع اقتصاد بارزتر باشد نیز دعوت به عمل آید. بنابراین امروز در خدمت جنابعالی هستیم و هر گونه که فکر می‌کنید مناسب‌تر است، شروع فرمایید و در نهایت تمرکز روی موضوع اقتصاد کشاورزی اعم از سرمایه‌گذاری، حمایت‌ها و یارانه‌ها و همچنین اثرات آزادسازی ارز تأمین نهاده‌های بخش کشاورزی که مورد بحث دولت و مجلس است و در تداوم آن اگر سرکوب قیمت‌ها صورت نگیرد در آینده در بخش کشاورزی ما شاهد چه فضایی خواهیم بود.

♦ دکتر زند:

بسم الله الرحمن الرحيم، آقای دکتر تشکر از این که دعوت ما را پذیرفتید. معمولاً در این جلسات فرصت اول در اختیار دوستان قرار می‌گیرد، تا اهم نقطه نظرات‌شان را راجع به ابعاد مختلف بخش مطرح کنند و بعد در ادامه سؤالاتی که از قبل مشخص و ارائه شده است مورد بحث قرار خواهد گرفت. لذا لطفاً موضوعات مهم بخش اعم از جنبه‌های تاریخی، تجربی و علمی را که صلاح می‌دانید، بیان فرمایید.

❖ دکتر سیدصفدر حسینی:

بسم الله الرحمن الرحيم، بنده هم خیلی خوشحالم و تشکر می کنم از شما که این دعوت را به عمل آوردید و من هم سعادت و توفیق پیدا کردم در خدمت شما عزیزان و بزرگواران باشم و پرسش مهمی را به نظر من شما روی میز کار خودتان قرار دادید؛ با تجارب بسیار ارزنده ای که شما در بخش کشاورزی داشتید و فراز و فرودها و تهدیدها و فرصتهایی که در این بخش بوده به صورت ملموس سر و کار دارید. همین طور که در معرفی جناب آقای دکتر خلیج اشاره کردند من در رشته اقتصاد کشاورزی دانشگاه شیراز در سال ۱۳۵۳ قبول شدم و کارشناسی ارشد را هم در آن دانشگاه خواندم و بعد از جنگ و مسئولیتهایی که از اول جنگ و تا تقریباً پایان جنگ در بخش کشاورزی همان طور که آقای دکتر اشاره کردند من مسئولیتهایی داشتم. برای مدرک دکتری هم بورسیه وزارت علوم بودم در کانادا و در یک ایالتی که کلاً کشاورزی بوده و در آنجا هم دکتری اقتصاد کشاورزی را گرفتم. رساله ای دکترای اینجانب نیز رتبه اول شد. بعد از آن من خیلی توفیقی نداشتم که در بخش کشاورزی مستقیماً مسئولیتی داشته باشم ولی از باب این که به هر حال من عضو هیئت علمی دانشگاه تهران بودم و درس هایی که می دادم درس هایی بود که مرتبط بود با بخش کشاورزی و اقتصاد کشاورزی بود. دو درس می دادم یکی سیاست های کشاورزی در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری و یکی هم اقتصاد کلان را درس می دادم برای دوره دکتری. هر دو در زمینه سیاست ها بوده و از دور هم با دوستانی که در بخش کشاورزی کار می کردند در جریان امور قرار داشتم ولی نه به شکلی که از نزدیک دستی بر آتش داشته باشم. بله تحقیقات من هم عمدتاً در حوزه

اقتصاد و اقتصاد کشاورزی، بررسی و تحلیل مسائل کشاورزی، توسعه کشاورزی، اقتصاد دانش بنیان در کشاورزی، تغییر اقلیم و همه در زمینه بررسی و تحلیل سیاست های کشاورزی ایران و کلاً رساله هایی که تحت نظارت من راهنمایی شده در این زمینه بوده ولی در یک دهه اخیر در اجرا خیلی نقش مهمی نداشتم. خوب پرسش مهمی هم هست که ما بعد از ۴۰ سال نگاهی بیندازیم به این ۴۰ سالی که هست. چون سؤالاتی را که من نگاه کردم این سؤالات بیش تر برای آقایان وزرا طراحی شده است که در کشاورزی مسئولیت داشتند ولی من به عنوان یک کارشناس اقتصاد کشاورزی که در چند دوره هم رئیس انجمن اقتصاد کشاورزی بودم و الان هم رئیس انجمن اقتصاد کشاورزی ایران هستم در جریان و مسائل کشاورزی ایران کم و بیش هستم و کنفرانس های و سمینارها و کارهای علمی و تحقیقاتی که صورت می گیرد در جریان مسائل کشاورزی ایران هستیم. کشاورزی و بخش کشاورزی ما و کلاً ساختارهای کشاورزی ما تحولات زیادی را به دنبال داشته است. ادغام ها در قبل از انقلاب بوده و بعد از انقلاب هم بوده و تا الان هم هست. همین الان بعضی از وظایف بازرگانی کشاورزی روزی می گویند باشد و روزی می گویند نباشد و ادغام ها و این ها ساختارهای کشاورزی یعنی ساختارهای اجرایی کشاورزی همیشه در این سه و چهار دهه مرتب در رفت و آمد بوده است. به هر صورت خود این اثر می گذارد در سیاست ها و برنامه ها. برنامه های ۵ ساله توسعه را وقتی نگاه می کنیم بخش کشاورزی را خیلی ضعیف می بینم در آن، در برنامه دوم گفتند محور بخش کشاورزی است ولی همان را هم نگاه کنیم به کارهایش می بینیم که بیش تر کشاورزی پروژه ای دیده شده یعنی در کل ساختارها و برنامه های کشاورزی، به جای این که کشاورزی که یک موجود زنده هست فرق می کند

با بخش صنعت و باید به صورت پروسه و زنجیره و فرآیند دیده شود. ما همیشه به آن به صورت یک پروژه نگاه کردیم مثلاً می گفتیم برویم زود مجوز مرغداری بدهیم، آنقدر می دادیم که این ها ورشکست می شدند، یا یک کاری دیگر یعنی کارها بیش تر پروژه محور بوده تا توسعه محور. چون هم انسان کشاورز و هم خود فعالیت کشاورزی یک فعالیت حیاتی است که نیازمند تکامل از طریق ورود دانش و ورود آموزش به آن است و از این جمله است.

من وقتی نگاه می کنم به بخش کشاورزی در ۴۰ سال گذشته پرسش من این است که آیا کشاورزی توسعه پیدا کرده یا عقب رفته است و پیشرفت کرده و چه وضعیتی داشته؟ به چند نگاه می شود به آن توجه کرد، یکی **توسعه یافتگی خود کشاورز** است. در واقع کشاورزی که این فعالیت ها را انجام داده است، چقدر این توسعه در جان کشاورز، در ذهن و ضمیر و کار کشاورز اتفاق افتاده؟ تغییر رفتارهایش چقدر تغییر کرده؟ رفتارهایش اقتصادی است یا اجتماعی تر است یا فرهنگی تر شده؟ رویکردهایش تغییر پیدا کرده؟ ما اگر بخواهیم یک ارزیابی درستی از توسعه بخش کشاورزی داشته باشیم اولین موضوع آن توسعه یافتگی خود انسان کشاورز است. در این رابطه ما چه گزارش ها و چه روندی داریم که نشان دهد کشاورزان ما نسبت به ۳۰ سال گذشته یک تغییر ذهنی، تغییر فرهنگ کار، تغییر رویکردها در آنها به وجود آمده است. دومین مقوله ای که باید به آن نگاه کرد و ارزیابی کرد توسعه یافتگی محیط و نوع کسب و کار کشاورزی است. آیا بازار محور هست؟ معیشتی هست؟ بازارهایش چقدر توسعه پیدا کرده است؟ بازارهای داخلی اش چی هست؟ بازارهای خارجی اش چی هست؟ ما بیش تر صادرات محور شدیم؟ در حقیقت این توسعه ها و این فناوری ها و تکنولوژی ها

محیط کشاورزی را چقدر مورد تحول قرار داده است؟ ما شاخص‌ها و معیارها و کارکردها و مطالعات تجربی زیادی انجام داده ایم. در همین محیط کسب و کار هزینه‌های مبادله در فرایندها چه وضعی دارد؟ دسترسی کشاورزان به بازار و تسهیلات چقدر با مانع روبه‌رو است؟ توسعه یافتگی در تحقیقات و آموزش و سهم دانش در عملکردهای کشاورزی ما چقدر است؟ ما خیلی از مطالعاتی را انجام دادیم که نشان داد تحقیقات ما در بخش کشاورزی خیلی آن طور که باید و شاید سهم مهمی را در کار نداشته و به ساختارهایش برمی‌گردد و به موانع آن برمی‌گردد و مشکلات دیگر آن بر می‌گردد. من به یاد دارم وقتی معاون تولید سازمان برنامه و بودجه بودم، دوستان از سازمان تحقیقات آمده بودند که بودجه‌شان را برای بودجه آن سال تأمین کنند. مهمترین توجیهی که انجام می‌گرفت این بود که ما این همه محقق و کارشناس داریم و این‌ها همه حقوق و مزایا می‌خواهند تقریباً می‌شود گفت حدود ۹۰-۸۰ درصد بودجه‌ای که داشتند صرفاً کفاف حقوق و مزایا را می‌داد در حالی که این سازمان برای هدف انجام تحقیق و توسعه و رشد و خلق فناوری نوین و افزایش سهم دانش در عملکردها بوده نه هدف خودش این بوده که سازمان را حفظ کند و یک مثال می‌زنم چون دکتر زند هم در آنجا بود و قبلاً هم با هم خیلی بحث کردیم راجع به این مسائل. بنابراین خود این تحقیقات و آموزش ما چه سهمی داشته در کار **بهره‌وری در بخش‌های کشاورزی ما که بر اثر تحقیقات حاصل می‌شود**، یعنی این بهره‌وری است که انتقال منحنی عرضه را به سمت راست انتقال می‌دهد و تولید را زیاد می‌کند. بهره‌وری ما چه وضعی در کشاورزی داشته است؟ بهره‌وری منابع ما، بهره‌وری عوامل تولید ما و نیروی کار ما و کشاورز ما. می‌شود از این طریق فهمید که من حداقل در چند

تحقیق مهمی که خودم انجام دادم، یکی در مورد چغندر قند بوده که ما انجام دادیم که حدود ۷۰ سال سابقه دارد، نهاد تحقیقاتی‌اش که این کار کرد و عملکردش چه بوده است؟ یکی در مورد بادام بوده که ما همیشه دچار سرمای زودرس می‌شدیم و این سردرختی‌ها به خصوص در مورد بادام که محصول با ارزش و صادراتی بود آسیب می‌دید و آن را مطالعه کردیم که این نهاد چقدر مؤثر بوده و کارآیی داشته، یک تحقیق انجام دادیم به طور کلی تحقیقات کشاورزی کلاً چه نقشی در خلق ثروت داشته در بخش کشاورزی ایران داشته و الان هم یک طرح دیگری هم هست که داریم انجام می‌دهیم راجع به گندم هست که ما گندم را بیش از ۶۰-۵۰ سال است که مورد حمایت قرار می‌دهیم که سهم دانش در این گندم چقدر است؟ این‌ها موضوعات مهمی است که می‌شود با آن فهمید در ۴۰ سال گذشته سیاست‌ها و رویکردهای ما درست بوده یا خیر؟ عملکردهای ما درست بوده یا خیر؟ باید کارهای تحقیقاتی گذشته را مورد مطالعه قرار دهیم. اگر بخواهیم به بعد دیگری از توسعه نگاه کنیم باید ببینیم توسعه مکانیزاسیون در توسعه کشاورزی چه وضعیتی دارد؟ ماشینی شدن کشاورزی، در کجا بوده‌ایم و به کجا رسیده‌ایم؟ تأثیر آن بر خروجی‌ها چه هست؟ و به طور کلی توسعه‌یافتگی در فهم و توسعه سیاست‌های کشاورزی چه هست؟ این‌ها مسائلی است که ما می‌توانیم نگاه کنیم به بخش کشاورزی ببینیم بخش کشاورزی ما چه وضعیتی را دنبال می‌کند. تحقیقات و مطالعات تجربی نشان می‌دهد ناکارآمد و ضعیف بوده‌ایم.

در ادبیات سیاست‌های کشاورزی اگر نگاه کنیم چند تا دلیل مهم را برای حمایت از کشاورزی می‌آورند که چرا در مقابل بخش صنعت و سایر بخش‌ها ما از کشاورزی حمایت می‌کنیم. یکی این که

می‌گویند کشاورزی محل سکنی اولیه بشر بوده است و در ابتدا شهر نبوده بنابراین این‌ها یک حق آب و گلی دارند لذا دولت‌ها باید این سبک زندگی را مورد حمایت قرار دهند. دوم دلیلی که می‌آورند در این سیاست‌ها و ادبیات این است که جامعه روستایی نسبت به جامعه شهری اخلاقی‌تر است، به همین دلیل باید حمایت بیش‌تری از جامعه روستایی صورت بگیرد. سومین موضوعی که خیلی مهم هست می‌گویند که پایه اصلی دموکراسی از روستا پیدا شده با تقسیم کار و نظم و انضباطی که در روستا متصور هست و یک جامعه کاملاً مستقل است و برای خودش تصمیم می‌گیرد و می‌گویند که این دموکراسی از روستا به شهر آمده و به جامعه شهری سرایت کرده و می‌گویند این دلایلی هست که ما باید از کشاورزی در مقابل سایر بخش‌ها حمایت کنیم. دلایل دیگری هم هست می‌گویند بخش کشاورزی یک بخش کم درآمد هست؛ چون بعضاً موضوعی مطرح می‌شود که چرا باید از بخش کشاورزی حمایت کرد؟ بخش کم درآمد هست و باید حمایت کنیم، دوم این که یک موجود زنده هست و همواره با ریسک و ناپایداری ذاتی روبه‌رو بوده است. طوفان هست، تگرگ و بیماری هست و انواع و اقسام ریسک‌ها و ریسک‌های ذاتی و ناپایداری ذاتی را در درون خودش دارد؛ به طور کلی در جامعه امنیت غذایی وظیفه بخش کشاورزی نیست وظیفه دولت هست و بخش غیرکشاورزی، بنابراین جامعه تکیه‌اش بر کشاورزی است به‌خاطر امنیت غذایی که گره خورده با امنیت ملی هر کشوری و این‌ها مسائلی هست که معمولاً دولت‌ها به آن توجه می‌کنند و دیده می‌شود بنابراین وقتی نگاه می‌کنید به برنامه‌های توسعه بخش کشاورزی در برنامه‌های توسعه خیلی ضعیف دیده شده و سرمایه‌گذاری خیلی کمی در آن صورت گرفته و سهم دانش در آن خیلی کم است درحالی‌که

کشاورزی همین طور که عرض کردم تکیه اصلی جامعه به دلیل امنیت غذایی و گره خوردن آن به امنیت ملی جایگاه مهمی باید داشته باشد. به نظر می‌آید که نگاهی که الان به کشاورزی وجود دارد یک نگاه اولویت‌داری نیست و باید در رابطه با آن به تفصیل بحث کرد حالا من تا همین جا فعلاً مختصراً عرض کردم بحث‌هایی باشد من در خدمت شما هستم.

❖ دکتر خلیج:

جناب آقای دکتر در مورد شاخص‌های سنجش وضعیت کشاورزی توضیح دادید و دلایل لزوم حمایت از بخش کشاورزی و روستاها را بیان کردید. اولین سؤال این است که چگونه می‌توان ذهن و رفتار کشاورز، به عنوان محور توسعه کشاورزی را می‌توان تغییر داد؟ سؤال دیگر نیز در خصوص گرایش کم به سرمایه‌گذاری در بخش هست که صاحب نظران دیدگاه واحدی ندارند و برخی معتقدند اختصاص یارانه را نیز باید محدود و مشخص کرد و در خصوص ابعاد مختلف حمایتی می‌گویند حتی با حذف آن و به موازات جلوگیری از سرکوب قیمتی، لاجرم کشاورزان و کشاورزی به استفاده از دانش و تکنولوژی اقبال نشان می‌دهند و وارد عرصه تولید رقابتی می‌شوند. در این خصوص اثرات این نوع دیدگاه که متفاوت با دیدگاه جنابعالی است، چه نظری دارید؟

♦ دکتر سیدصفدر حسینی:

عرض کنم خدمت شما حمایت یعنی مداخله در بخش کشاورزی از نظر ادبیات موضوع. چرا مداخله؟ من عرض کردم برای شما یک ادبیات تجربی گذشته را که چرا می‌گویند باید از کشاورزی حمایت کرد به طور کلی سه تا شاخص را برای شما گفتم. یکی این که در دنیا و جامعه جهانی که کشاورزی یک بخش مهمی است می‌گویند که کشاورزی چون سکنی اولیه بشر بوده بنابراین حق آب و گل دارد و این **کشاورزی سبکی از زندگی است** که باید این سبک زندگی را حفظ کرد و این جامعه روستایی را باید حفظ کرد جامعه‌ای که کانون تولید است و زنده است را باید حفظ کرد. دوم می‌گویند که ما آنچه را که به نام دموکراسی داریم پایه اصلی دموکراسی از روستا آمده است برعکس که ما در ذهن‌هایمان است که آنها یک جامعه بدوی هستند و جامعه شهری را یک جامعه مدنی تلقی می‌کنیم، نه ادبیات جهانی این را نمی‌گوید مطالعات و تجربیات جهانی این را نمی‌گوید. دیگر این که جامعه روستایی را اخلاقی‌تر نسبت به جامعه شهری می‌دانند زیرا که به هم کمک می‌کنند شما در جامعه شهری در یک برج قرار دارید اصلاً همسایه کناری اطلاع ندارد از وضعیت و روحیات و سازگاری شما و از همسایه کناری و کوچه کناری اطلاعی نداریم، روستاییان اخلاقی‌تر عمل می‌کنند در کارهای جمعی واقعاً به همدیگر کمک می‌کنند در ساخت یک خانه به همدیگر کمک می‌کنند و اگر یک فردی از دنیا برود آنها واکنش متفاوتی دارند از جامعه شهری و اخلاقی‌تر هستند. این‌ها در واقع نکاتی است که برخی از کشورها این‌ها را پایه اصلی حمایت از بخش کشاورزی در مقابل سایر بخش‌ها می‌دانند ولی کلاً آرمان‌های کلی

دولت‌ها از مداخله یا حمایت به قول شما چی هست؟ یکی رشد و توسعه بخش کشاورزی است که می‌خواهند یک بخشی داشته باشند با رشد بالا شما همواره می‌بینید که این سال‌هایی هم که رشد اقتصادی ما بسیار رشد پایین و منفی بوده **این رشد کشاورزی بوده که مثبت بوده** و یک کمی مساعدت کرده. آرمان دیگری که دولت حمایت می‌کند بحث توزیع درآمد است و برابری فرصت‌هاست. همان‌طور که در جامعه شهری و در صنعت برنامه‌ریزی‌های عظیمی صورت می‌گیرد، هزینه‌ها و پس‌اندازها عمدتاً به سمت آن می‌رود دولت باید برای توزیع درآمد کشاورزان هم شده، کشاورزان خرده پا هستند به خصوص در کشورهای مثل ما که درآمدها کم هستند باید دولت کمک کند. بحث مهمی که از حدود ۵-۴ دهه پیش در دنیا مطرح بود سیاست‌های تثبیت درآمد است، سیاست‌های تثبیت همان تثبیت درآمدها و قیمت‌ها این‌ها سیاست‌هایی بود که یا عرضه و مصرف به خاطر این که بخش پرنوسان و پرریسکی است و با ریسک‌های ذاتی روبه‌رو هست و کشاورز نمی‌تواند در مقابل این‌ها ایستادگی کند، وقتی یک آنفلانزای پرندگان می‌آید و یکباره تمام این مرغداری‌ها دچار آسیب می‌شوند و چند میلیون قطعه از بین می‌رود این متفاوت است با صنعت فولاد و مس و خودروسازی که ما در خودروسازی بیش از ۵۰ سال است که تعرفه‌ها را بالا نگه می‌داریم تا رقابتی نباشد و این صنعت برای ۵۰۰-۴۰۰ هزار نفر که قطعه‌ساز هستند من به هر حال هم در دولت بودم و هم در سازمان برنامه بودم این بحث‌ها همیشه مطرح می‌شود ولی در کشاورزی باید کشاورز احساس کند که درآمد حداقل سال گذشته‌اش را به اضافه یک تورم دارد، این یعنی حمایت. شما الان حمایت‌ها را که ملاحظه می‌کنید ما در گندم واردکننده هستیم در داخل هم تولید

می‌کنیم خب قیمت گندم را با چند تا نرخ ارز می‌توانیم مقایسه کنیم یعنی بگوییم با ۴۲۰۰ تومان مقایسه می‌کنیم تولید داخل را با واردات و یا می‌توانیم بگوییم با دلار نیمایی مقایسه می‌کنیم ولی نه در ادبیات اقتصادی با نرخ ارز تعادلی مقایسه می‌کنند یعنی قیمت‌های ارزی را با قیمت‌های داخلی مقایسه می‌کنند که آیا دولت دارد حمایت می‌کند یا خیر. ما زمانی قابل رقابت‌پذیری جهانی هستیم که ببینیم ما قیمت گندم را به ارز چون ما این‌ها را با دلار می‌خریم و دلار را باید تبدیل کنیم به ریال ببینید چقدر است حمایت‌ها هم باید جنبه منطقی داشته باشد و باید تعادل‌های بلندمدت را در نظر گرفت و انجام داد. دیگر حمایت دولت در بخش کشاورزی که کارایی را بالا ببرد، از چه طریق کارایی را بالا می‌برد؟ مثلاً در همین فناوری‌هایی که برای آبیاری دارد یا در همین تحقیقاتی که شما انجام می‌دهید در سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی یا بخش‌های مختلف به هر حال این‌ها کارایی اقتصادی را وقتی بالا می‌برد که ما بتوانیم وارسته‌های جدیدی را وارد عرصه کنیم و سهم دانش را در آنها افزایش دهیم و نیاز به سرمایه‌گذاری دارد و حمایت دارد کشاورز نمی‌تواند به اینجا بیاید و سرمایه‌گذاری کند ولی در مورد مس و فولاد و پتروشیمی و خودرو و بقیه چیزها می‌تواند بیاید و این کار را انجام دهد.

موضوع دیگر در مورد امنیت غذایی است **مسئولیت امنیت غذایی بر عهده کشاورز نیست، بر عهده حکومت و دولت است.** امنیت غذایی اگر می‌خواهد که هر کس بتواند به اندازه کافی و در هر زمانی که بخواهد با امکان مالی مناسب دسترسی پیدا کند این وظیفه کشاورز نیست و اگر دولت بخواهد این تأمین شود باید حمایت کند از بخش کشاورزی. من طرفدار حمایت از بخش

کشاورزی هستم به خاطر این که بازارهایش هم دچار مشکل است. شما یک کشاورز را تصور کنید من تحقیقی انجام دادم در مورد بانک کشاورزی که کشاورزان ما برای دستیابی به تسهیلات غیر از نرخ سود چه هزینه‌ای را می‌پردازند. حدود ۴ تا ۵ استان را من مطالعه کردم البته همه بانک‌های ایران را مطالعه کردم در مورد هزینه مبادله در بخش تسهیلات نگاه کردم دیدم همین بخش کشاورزی و بانک کشاورزی ما، این کشاورزان به طور متوسط در آن زمان‌ها مثلاً نرخ سود بود حدود ۱۴ درصد از بخش کشاورزی و هزینه مبادله‌شان حدود ۱۳ درصد بوده و سرجمع می‌شود حدود ۲۷ درصد این تسهیلات برای او تمام شده با رفت و آمدها و وثیقه دادن‌ها و با هزاران مسئله که این‌ها فرصت و وقت کشاورز را از بین برده است و این‌طور نیست که برود و تقاضا دهد و غیر از مشکلات و فسادهایی که ممکن است وجود داشته باشد و کشاورز با آن روبه‌رو باشد، بنابراین بازارهای کشاورزی هم برای کشاورزان مهم است. چرا دولت مداخله می‌کند در تنظیم قیمت‌ها؟ وقتی مداخله می‌کند در تنظیم قیمت که می‌گوید قیمت یک محصول این باشد باید مابه‌ا‌زایش را بپردازد. بالاخره **به کشاورز، ربطی ندارد که دولت می‌خواهد مصرف‌کننده را حمایت کند** و چرا باید کشاورز هزینه آن را پرداخت کند. این است که ما در بخش کشاورزی به نظر من می‌آید که ما ساختار مناسب را نداریم. شما نگاه کنید که این جهاد کشاورزی امروز وزارت کشاورزی بود و بعد تبدیل شد و قبل از انقلاب چهار وزارتخانه بود و آمدند و رفتند و این‌ها، شما چهارتا سیاست درست و شفاف را به من بگویید که این سیاست‌های دولت در بخش کشاورزی بوده است. من بیش از حدود ۲۶ سال است که این درس سیاست را می‌دهم به ما بگویند سیاست‌هایش کدام است تا بگوییم حمایت است یا خیر؟

چون ما حمایت را مداخله می‌دانیم و مداخله هم ارزش‌هایی دارد برای خودش ما باید به آن توجه کنیم که کشاورزی در همین سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی که آقای دکتر زند بودند، می‌بینیم که ضعیف‌ترین بودجه‌های تحقیقاتی را داده‌اند. شما مثقال به مثقال پول به این واحدهای تحقیقاتی می‌دهید که روی گندم و ذرت کار می‌کنند من آقای مهندس کشاورز را حدود دو سال پیش بود در یک جلسه که قبلاً معاونت زراعت بود و خیلی خوشحال بود که می‌گفت ما الان بذر چغندر را از خارج می‌آوریم و تقریباً عملکرد ما ۵۰ درصد یا دو برابر شده و یا ۵۰ درصد بیش‌تر شده است. خوب این خبر خوبی نیست، ۵۰ سال است که ما مؤسسه تحقیقات چغندر قند داریم و باید آن یک کاری می‌کرد که ما الان می‌گویند ما یک دانش فنی را وارد می‌کنیم چرا؟ به خاطر این که حمایت نمی‌شود، شما ببینید بودجه‌های بخش کشاورزی را در همین سازمان تحقیقاتی ببینید من به نظر **وزارت جهاد کشاورزی فقط باید دو تا معاونت داشته باشد یکی معاونت سیاست‌گذاری و یکی معاونت تحقیق و توسعه** است که دارد و بقیه را باید ببرد در سازمان بخش خصوصی. شما در قبل از انقلاب ملاحظه می‌کنید که یک شرکت‌های تعاونی ما داشتیم و اتحادیه‌هایی داشتیم که نمی‌دانم اساسنامه‌هایشان را خوانده‌اید یا نه؟ یکبار دیگر اساسنامه‌ها را بخوانید که متری‌ترین اساسنامه‌ها بود که ما در ۵۰ سال پیش به دلیل کمبود نیروی انسانی تحصیل کرده نمی‌توانستیم این‌ها را اجرا کنیم ولی الان نیروی انسانی تحصیل کرده داریم که همه این‌ها را می‌شود سازمان دادن به کشاورزی، از طریق همان تعاونی‌های روستایی همان شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی روستایی و تمام تجارت و بازرگانی و اعتبارات و بخش‌های فنی همه در آن اساسنامه‌ها دیده شده و بخش

کشاورزی بتواند دو تا معاونت داشته باشد یکی معاونت تحقیق و توسعه و دیگری معاونت سیاست‌ها را داشته باشد این می‌تواند شفاف کند کار را و پیش ببرد و گرنه با این ساختارهای عریض و طویل که ما شب و روز دنبال نهاده‌ها هستیم و دنبال کارهای پروژه‌ای هستیم راه به جایی نخواهیم برد. شما ببینید در بخش کشاورزی شما بوده‌اید و ما هم بوده‌ایم **اتاق فکر** آن کجاست؟ این موضوع مهمی است که ما باید به آن پردازیم، این کار تاریخ شفاهی شما می‌تواند زمانی ارزشمند باشد که این تلنگر را بزند که این ۴۰ سالی که ما آمده‌ایم ضعف‌ها و نقص‌ها این است و حالا ما باید یک تغییر جهت بدهیم و جهت را در بخش کشاورزی عوض کنیم. اولاً **نگاه ما یک نگاه پروژه‌ای و تدارکاتی و این‌ها نباشد و یک نگاه سیاست‌گذاری و توسعه و تحقیق و این‌ها باشد** مثل بقیه کشورهایی که پیشرفت کردند و جلو رفته‌اند و به جاهایی رسیده‌اند. این دانشکده کشاورزی ما که می‌دانید که قدیمی‌ترین دانشکده دانشگاه تهران است تقریباً وقتی که ما جمع می‌شویم با آنها صحبت می‌کنم با گروه دامپروری و زراعت می‌گویم بالاخره یک گاو هلشتاین را با هواپیما در ۵۰ سال پیش به سراسر جهان برده‌اند و خلق ثروت کردند، خوب ما چکار کردیم؟ دستاورد ما چه بوده است؟ نمی‌گویم دستاوردی نیست ولی دستاوردی که خلق ثروت کند و بتواند جامعه را به جامعه‌ای در حد و اندازه ایران باشد را نداشتیم. ما این روش‌هایی که در پیش گرفتیم از روش انتخاب وزیر و قوانین ما و لابی کردن در مجلس که این قانون را عوض کنیم و این را بیاوریم و آن را ببریم این‌ها جواب نداده و ۴۰ سال است ما این‌ها را تمرین کرده‌ایم. نمی‌گویم موفقیت‌هایی نداشتیم موفقیت داشتیم ولی این موفقیت‌ها راضی کننده و کافی نیست و اگر بخش کشاورزی قوی می‌خواهیم حتماً باید حمایت شود. کدام کشور است که بخش کشاورزی را حمایت نمی‌کند؟ در تحقیقات کدام دولت‌ها سرمایه‌گذاری

نمی‌کنند و بگویند کشاورزان باید سرمایه‌گذاری کنند؟ ما به زور بودجه سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی را می‌گیریم و به زور تحقیقات دامپزشکی را از دولت پول می‌گیریم و نگاه می‌کنند بقیه بخش‌ها رقابت بر سر بودجه است، چون این سیاست یک تقسیم کار درستی در دولت نبوده و دولت هم توجه نمی‌کند، چرا که دولت زمانی به کشاورزی توجه می‌کند که ببینید قیمت تخم‌مرغ بالا رفته است و رئیس‌جمهور مورد سؤال است و می‌گوید وزیر کشاورزی تو باید جواب بدهی.

به نظر من این کار بزرگ تاریخ شفاهی که شما در پیش گرفتید باید ما را به سمتی ببرد که بتوانیم از ۴۰ سال گذشته درسی برای آینده بگیریم. در دنیا ما سهم پس‌اندازی که برای کشورمان هست اگر که هست چون پس‌انداز است که سرمایه‌گذاری می‌شود چه سهمی از درآمد ملی ما که چه پس‌انداز خصوصی باشد و چه پس‌انداز عمومی باشد از این سهم چه میزان به بخش کشاورزی می‌آید؟ ما الان بانک کشاورزی، اسم آن بانک کشاورزی است، و این بانک فرقی با بانک صادرات و ملی و غیره ندارد. بانک است چرا اسم آن را کشاورزی می‌گذاریم، اگر منظور حمایت از کشاورزی است خوب باید شفاف بگوییم این حمایت‌ها چیست که برای کشاورزی انجام داده است؟ و این نهاد برای چیست؟ نهاد برای ترتیبات حداقل کردن هزینه مبادله است و گر نه ضرورتی ندارد و برای چی ما این نهاد را داریم؟ نهادهایی که خودشان هزینه مبادله را بالا ببرند این‌ها را باید منحل و تعطیل کرد. این نکاتی است که در پاسخ به سؤال جنابعالی و بحث حمایت که عرض می‌کنم.

به دلایلی که بر شمردم هم به لحاظ سیاسی و هم به لحاظ اجتماعی و اخلاقی و هم به لحاظ تجربیات بین‌المللی کشاورزی با ریسک‌ها و ناپایداری ذاتی روبه‌رو است و باید حمایت شود ولی این حمایت باید عقلانی، علمی و منطقی باشد.

♦ دکتر خلج:

خیلی متشکر آقای دکتر معمولاً توسعه کشاورزی و امنیت غذایی با توسعه روستایی سامان می‌گیرد. توسعه روستا با ایجاد جاذبه و سکونت مردم و کار تولیدی و کشاورزی فراهم می‌شود که لازمه آن وجود امکانات و تسهیلات خاص خود است. کشورهای مختلف مانند اتریش، چین و کره جنوبی تلاش‌شان گردآوری و مهیا کردن این امکانات بوده است. در کشور ما بعد از انقلاب اسلامی جهاد سازندگی تلاش‌هایی کرد و امکاناتی را برای روستا فراهم آورد. مثالی می‌زنم در زمان تحصیل دوره ام‌پی‌اچ در دانشگاه علوم پزشکی تهران برای انجام کار پایان‌نامه و نمونه‌برداری از دام‌ها که نیاز به استخراج آمار تعداد روستا و نقاط خرد و کوچک کشاورزی و دامداری بود، طبق آمار وزارت کشور حدود ۶۵ هزار روستا و مزرعه پویا و زنده در کشور وجود داشت ولی الان تعداد آن بسیار کم شده و روستاهایی که کشاورزی در آن رونق دارد گرچه سرشماری نشده ولی به نظر می‌آید که تعداد آن یک سوم آن زمان شده است. البته برخی اعتقاد دارند باید از استقرار امکانات برای استقرار روستاییان در روستا عبور کرد و فقط باید تولید را اقتصادی کرد و باور دارند این حرکت باید با رقابت شکل گیرد و آن دسته که قابلیت رقابت دارند ماندگار می‌شوند و در غیر این صورت حذف می‌شوند. ولی به نظر این دیدگاه، دیدگاه واقع‌بینانه‌ای نباشد. به نظر جناب‌عالی با آن نگاهی که در مورد روستا بیان کردید، اگر آن دسته از روستاهایی که هنوز آب و زمین دارند و می‌توانند کشاورزی کنند ولی به دلیل جاذبه کم خصوصاً مردان آن مهاجرت کرده‌اند و روستاهایشان یک روستاهای زنانه شده برای این که ما آنجا را احیا کنیم با توجه به آنچه که در ذهن شما می‌گذرد باید چه برنامه‌هایی را برای روستا اجرا کنیم و آیا ما اصلاً باید یک متولی خاص برای روستا داشته باشیم یا خیر؟

❖ دکتر سیدصفدر حسینی:

عرض کنم خدمت شما من دلایل خودم را عرض کردم خدمت جنابعالی، البته دلایل من نیست، ولی با آنها موافق هستم این‌ها تجربیات جهانی است همین که می‌گویند دموکراسی از روستا آمده و اخلاقی‌تر هست. تنها این‌ها نیست جنبه انسانی هم هست آقای دکتر بالاخره ما توسعه را برای چه می‌خواهیم؟ توسعه باید هم جنبه‌های انسانی‌اش رعایت شود و جنبه‌های فرهنگی‌اش رعایت شود و هم جنبه‌های اقتصادی‌اش و باید یک توازنی برقرار باشد. صرفاً اقتصادی کردن تولید نمی‌تواند جامعه روستایی را حفظ کند. **جامعه روستایی یک سبکی از زندگی است** که انسان وقتی مراجعه می‌کند من خودم روستایی هستم از یکی از روستاهای خیلی دور دست هستم یعنی آخرین روستای خوزستان که مرز چهارمحال بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد است، ولی وقتی خودم به آنجا می‌روم و نگاه به این منظره‌ها و طبیعت می‌کنم یک سبک زندگی جاذب است و این فرق می‌کند با یک کارخانه سیمان و کارخانه فولاد در یک گوشه‌ای و صنعت در یک جایی و عسلویه‌ای را که شما می‌روید می‌بیند که یک کانونی است از پتروشیمی‌ها و کانون صنعتی و این‌ها ولی هیچ جاذبه و لذتی را به لحاظ روحی به من نمی‌دهد، من بازدیدهای زیادی داشتم ولی به روستاها که می‌روم خیلی برایم جاذب است. در مطالعات و ادبیات سیاست‌های کشاورزی هم که هست این سبک زندگی را باید حفظ کرد. چگونه باید حفظ کرد؟ این‌ها که نمی‌توانند با این تحولات صنعتی و تحولات توسعه‌ای خودشان را بالا بکشند، باید این‌ها را حمایت کرد از نظر آموزش و مهارت و از نظر بهداشت و درمان و راه و مسائل زیرساختی و فرهنگی و مسائل دیگر باید این‌ها را مورد حمایت قرار داد، درست

است که بالاخره هر کس در هر آپارتمانی پول آب و برق خود را می‌دهد، خوب کشاورز هم می‌دهد، الان شروع کردند از همه روستاها هم آب و برق و تلفن می‌گیرند ولی حمایت هم لازم است. جامعه روستایی ما به همین دلیل تعریفی که کردم که یک جامعه اخلاقی است یک جامعه‌ای است که یادگار هزاران هزار سال هدیه بشر است به کشورها و جوامع مختلف و از جهت این که به هر حال یک سبکی از زندگی است اعتقاد دارم حتماً باید حمایت شود و حتماً **دولت باید یک سازمان روستایی مستقل ایجاد کند.**

ببینید ما جهاد سازندگی را که درست کردیم خدمات بزرگی داد انصافاً خدمات بسیار وسیعی داد شما به هر جا که می‌روید راه و جاده هست امکانات هست و این‌ها به برکت وجود همان نهاد بوده منتها آن نهاد متأسفانه به بخش کشاورزی آمد و گفت دامپروری و شیلات و زراعت را به من بدهید و این‌ها مسئولین را وادار کرد ببینید خطاهای انسانی باعث می‌شود که یک تلنگر ما را چندین سال به عقب بکشاند با این گونه کارها آمدند و گفتند یک پارچه شوید و روستا هم رها شد. من اعتقاد دارم حتماً یک سازمان مرکزی برای حمایت از این سبک زندگی لازم است، من کار به مسائل فنی و تولید ندارم که این‌ها باید در بخش کشاورزی باشد و اعتقاد دارم که سیاست‌گذاری و تولید در بخش کشاورزی باشد ولی حمایت از این سبک زندگی و این جامعه اخلاقی باید به طور مستقل در یک کشوری که می‌گوید ما یک حکومت دینی داریم که یک حکومت دینی چه معنایی دارد؟ باید به این جوامع که یک سبک زندگی مطلوب و سالم دارند و تقسیم کار مناسبی دارند باید سعی کنیم این حمایت را کنیم. بله من اعتقاد دارم که حتماً باید یک سازمان مستقلی فقط برای حمایت از این جامعه روستایی به وجود آید نه بخش تولید و نه بخش کارهای دیگری که سایر بخش‌ها به عهده دارند.

❖ دکتر زند:

خیلی متشکر آقای دکتر، در حال حاضر دو دیدگاه در مورد آینده کشاورزی وجود دارد. یک دیدگاه، ادامه روند وضع موجود است که با توجه به محدودیت منابع و مصرف بخش عمده‌ای از آن و از جمله خاک و آب و خصوصاً با به کارگیری و تاکید بر اصطلاحاتی مانند ورشکستگی در حوزه آب، باور دارند اگر همین روند ادامه پیدا کند، کشاورزی قابل توسعه نیست و لاجرم باید آن را محدود کرد. یک دیدگاه هم بر این محور استوار است که خداوند ظرفیت‌های زیادی را به انسان داده و ظرفیت‌های مغفولی هم در طبیعت وجود دارد که به آن پرداخته نشده است. بنابراین اگر از این ظرفیت‌ها درست استفاده شود و اگر بتوان تکنولوژی، دانش و سرمایه را به خوبی مورد استفاده قرار داد، کشاورزی می‌تواند محور توسعه قرار گیرد. حالا با توجه به تجارب تاریخی کشور و با توجه به سیاست‌های خوداتکایی و خودکفایی که پشتوانه قانون اساسی هم دارد، به نظر جنابعالی کدام یک از این دیدگاه‌ها مناسب آینده کشاورزی ایران است؟ آیا کشاورزی می‌تواند محور توسعه قرار گیرد یا باید محدود شود؟ و اگر کشاورزی محور توسعه قرار گیرد، زمینه و امیدی به ورود سرمایه‌گذاری بیش‌تری و به کارگیری دانش و تکنولوژی در بخش وجود دارد؟

❖ دکتر سیدصفدر حسینی:

وضع موجود که حتماً باید نقد شود و ما نمی توانیم وضع موجود را با رشد جمعیتی که داریم و سیاست های جمعیتی که برای آینده ایران داریم بتواند پاسخ گوی نیازهای ما باشد. بنابراین دیدگاه دیگری می ماند که آن به نظرم نوع نگاه جهشی به آن توجه کنیم یعنی همان طور که شما اشاره کردید ما باید از سطح بکاهیم که منابع مان بیش از اندازه مصرف شده دیگر مصرف نشود ولی در سطح کم تری بتوانیم بازدهی های بیش تری را بگیریم. چگونه می شود بازدهی های بیش تری را گرفت؟ با ورود دانش و ورود یافته های تحقیقاتی که میان بر هست که بتواند ما را به جهشی بکشد، کشورهای دیگر را نگاه کنید که این بالاخره تجربه بشری است موضوع ایدئولوژیک هم نیست موضوعی است که جهان تجربه و کسب کرده و الان تجربیات دنیا فرا روی ما است که می شود از آن استفاده کرد. استفاده از دانش همان گونه که جنابعالی اشاره کردید و تکنولوژی های جدید ولی سطوح کم تری از منابع را به کار بگیریم این در صورتی است که ما بتوانیم از تکنولوژی و با به کار گیری بیش تر دانش این کار را انجام دهیم. خود جنابعالی این موضوع برایتان خیلی ملموس است، به هر حال ما الان گندم را که سال هاست مورد حمایت قیمتی و تحقیقاتی قرار می دهیم ولی باز هم عملکرد در هکتار ما پایین است و می توانیم عملکرد در هکتارمان را بالاتر ببریم اگر ما دو تن در هکتار گندم را زیاد کنیم می شود از سطح زیر کشت کم کرد یعنی به هر حال باید فکر کرد که این سرمایه گذاری های بیش تری را شاید می طلبد و سرمایه گذاری ها هم به پس انداز ملی ما بستگی دارد. چون کشاورزی زیرمجموعه سیاست عمومی کشور است، اگر در خاطرتان باشد زمانی که صندوق توسعه ملی را ایجاد

کردند هدف این بود که مثل کشور نروژ درآمدهای نفت را از اقتصاد جدا کنند و در یک صندوقی برای امر توسعه قرار دهند. در توسعه کجا می تواند نقش ایفا کند؟ اتفاقاً یکی از جاهایی که می تواند نقش ایفا کند بخش کشاورزی است که ما بتوانیم این عملکردها را با تکنولوژی و دانش بیش تر و آموزش کشاورزان این ها را افزایش دهیم، یعنی سیاست ها باید این ها باشد و وزارت جهاد کشاورزی باید دنبال این ها باشد. الان وزارت جهاد کشاورزی ما در ۴۰ سال گذشته کمابیش همین طوری بوده همیشه دنبال مسئله محور و مشکل محور و نهاده ها و کمبودها و این ها بوده و **یک برنامه منضبط و منسجم و آگاهانه و هوشمندانه ای** رو به جلو نبوده که این برنامه پیش برود و کم کم این دردها و مسائلی که مسئولان کشور با آن روبه رو است مدام کم تر شود. ما اصلاً با دیدگاه اول که وضع موجود است به جایی نمی رسیم باید یک تلنگری زد و یک نگاه جدیدی پیدا کرد و یک جهش هایی صورت بگیرد و این جهش ها هم باید در نگاه سیاست گذاران شکل بگیرد چون وزیر کشاورزی هم یک نفر هست زمانی که قیمت تخم مرغ بالا می رود رئیس جمهور با خبر می شود و مردم سر و صدا می کنند و با خبر می شود و گرنه وقتی موضوعی بحث می شود وزیر کشاورزی جایگاهی ندارد در دولت یعنی باید دولت خودش کشاورزی را به عنوان یک بخش مهم و حیاتی مورد توجه قرار دهد و کشاورزی بخشی از دغدغه رئیس جمهور باشد، بخشی از سیاست های کلی رهبری باشد، باید به این ها انسجام داد. شما نگاه کنید ما یک چشم انداز برای کشور نوشتیم گفتیم که ما ظرف چهار برنامه می خواهیم شاگرد اول منطقه منا شویم، آیا شده ایم؟ مگر همین چشم انداز را مجمع تشخیص تصویب نکرد و رهبری تأیید نکرد؟ رهبری ابلاغ نکرد که بخشی از آن به کشاورزی بر می گردد که

کشاورزی مان هم باید شاگرد اول شود، شده‌ایم؟ شما نگاه کنید برنامه اول و دوم و سوم و چهارم این چشم‌انداز به کجا رفت؟ ما رفته‌ایم اولویت‌های دیگری را از نظر سیاسی در نظر گرفته‌ایم. این به کنار رفت شما با این کار نمی‌توانید در حقیقت کشاورزی هم یک بخشی در اینجا جایگاه دارد و گر نه آن جایگاه خوبی بوده و چشم‌انداز ما گفتیم خودمان را ترسیم کرده‌ایم در مقایسه با کشورهای منطقه ما می‌خواهیم اما آنها هم که دست بسته و پا بسته نیستند که ما در این رقابت بدویم و جلو بزنیم قرار بود که ما بتوانیم شاگرد اول این‌ها شویم از نظر فناوری و از نظر اقتصادی که تعریف شده و روشن هم هست ملاحظه کنید و بخوانید ببینید چی هست. وقتی که ما چشم‌انداز را کنار گذاشتیم یعنی استراتژی‌های بخشی هم جایشان عوض شده، شما الان بفرمایید **استراتژی بخش کشاورزی چیست؟** در سال گذشته و در ۲۰ سال گذشته چه بوده؟ چه استراتژی و چه راهبردهای معطوف به بلند مدت داشته است؟ وضع آب را ببینید! ما اگر بخواهیم وضع موجود را دنبال کنیم همین که هستیم و در همین حد هم تعارف نداریم ما عددها را کم و زیاد کنیم و بگوییم صد میلیون تن تولید کردیم و وزیر دیگری بیاید بگوید که نه من ۱۲۵ میلیون تن تولید کردم سر جمع این چقدر می‌شود؟ چند میلیارد دلار می‌شود؟ این نگاه، یک نگاه درستی نیست، هیچ کشوری نمی‌تواند بدون چشم‌انداز باشد و **کشاورزی هم بدون محیط زیست معنی ندارد** و بدون حفظ منابع پایه و حفاظت از آب و خاک معنی ندارد.

من به یاد دارم که حدود ۲۵ سال پیش ما یک تحقیقی انجام دادیم و یک کتاب نوشتیم **اقتصاد فرسایش خاک**. ما وقتی که به مفهوم اقتصاد خاک توجه نداریم سیاست‌هایی را می‌گذاریم که

بعضاً سیاست‌های ما حتی در قالب حمایتی ممکن است منجر به این شود که هر کوی و برزنی را شخم بزنیم. این هم درست نیست بنابراین استراتژی ما نداریم در بخش کشاورزی، حداقل من که دارم حدود ۲۵ تا ۳۰ سال درس سیاست کشاورزی را می‌دهم برخورد نکردم که در حد یک خط و دو خط که استراتژی بخش کشاورزی این است. آقای مهندس حجتی خدا حفظش کند زمانی که من در صندوق توسعه ملی بودم مدام نامه می‌نوشتند خودشان و آقای دکتر بخشنده که پول بدهید و وام بدهید به مرغداری‌ها و ما هم با اکراه انجام می‌دادیم، یک روز از دولت آمدند پیش من و گفتند از امروز اگر بخواهید پول به مرغداری‌ها بدهید خیانت کرده‌اید. این که سیاست نمی‌شود، ما باید استراتژی داشته باشیم برای جهش این جهش که می‌گوییم یعنی ورود دانش به عرصه کشاورزی چه در سطح آموزش برای کشاورزان مان و چه در سطح تحقیقات کشاورزی مان هر زمان شما سازمان تحقیقات کشاورزی را دیده‌اید که برای هدف کار شده و دولت با نگاه یک سازمانی که برای این که بتواند جهش ایجاد کند به آن توجه کرد احتمالاً ما در یک مسیر خوبی قرار گرفته‌ایم و گر نه شما به من زنگ بزنید و بگویید سازمان برنامه کمک کنند به ما و الان وضع بودجه خراب است و یک کمکی کنند و این‌ها اضافه کارها را نداده‌اند این نمی‌شود این کار باید این در نگاه رهبری و دولت‌ها نهادینه شود. شاید بهترین کاری که جمهوری اسلامی کرد و متأسفانه آن را کنار گذاشت همان چشم‌انداز بود که یک استراتژی بلندمدتی بوده برای کل کشور و کشاورزی هم به تبع آن صاحب یک استراتژی می‌شود و جایگاه خود را در منطقه منا می‌توانست بفهمد. اینک بعد از اجرای سه برنامه از چهار برنامه چشم‌انداز متوجه می‌شویم، نه تنها به هدف نرسیدیم بلکه بسیار عقب افتادیم.

♦ دکتر زند:

آقای دکتر در چهل سال گذشته هیچ‌گاه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی از ۵ درصد بالا نرفته است و این سابقه حاکی از توجه کم به کشاورزی است. از طرفی رخداد بیماری کووید ۱۹ نشان داد که بسیاری از کشورها که به حاکمیت غذایی فکر نمی‌کردند، می‌باید ضرورتاً در مسیر اعمال حاکمیت غذایی حرکت کنند. از سویی، کشاورزی در کشور ما با محدودیت توجه و سرمایه‌گذاری مواجه بوده است و استقلال و بالا بردن ضریب امنیت غذایی هم برای کشور مهم است. سیاست‌گذاران بخش کشاورزی چه سیاستی را باید در پیش بگیرند که جایگاه کشاورزی را ارتقاء دهند؟ بالاخره نظر سیاست‌گذاران بخش مهم است و علاوه بر آن تحرک و فعالیت نخبگان نیز در آگاهی بخشی و ایجاد زمینه‌های فکری و همراهی مسئولان تأثیرگذار نیز جایگاه خود را دارد. در این ارتباط و افزایش آگاهی دیگران باید چه کارهایی انجام داد؟ در هر صورت به کارگیری و بهره‌برداری از دانش و تکنولوژی نیز به افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نیازمند است. سرمایه‌گذاری موجود با عقبه چهل ساله امیدوارکننده نیست مگر این که به تعبیر جناب عالی سیاست‌مان را تغییر دهیم. چه سیاستی در پیش بگیریم که این اتفاق رخ دهد؟

❖ دکتر سیدصفدر حسینی:

آقای دکتر فرمودید که سرمایه گذاری کم انجام می شود پرسش خوبی است چهل سال است که این سؤال مطرح می شود. چرا پاسخ داده نمی شود؟ ما پنج برنامه هم رفته ایم و الان برنامه ششم هم در حال اتمام است. علت این است که ممکن از چند جهت باشد اول ممکن است این که بدانند این سرمایه گذاری بازده دارد حتماً انجام می دهند در مقایسه با کارهای دیگر. ببینید شما **در همین تحقیقات کشاورزی که ما حداقل ارزیابی کرده ایم با همه این کمبودها و نقص هایی که دارد نرخ بازده سرمایه گذاری بیش تر از همه پروژه هایی است که دولت انجام می دهد،** پس چرا به آن توجه نمی کنیم؟ این نکته مهمی است یعنی سرمایه گذاری برای بازده بیش تر هست که انجام می دهیم ما در تحقیقات کشاورزی بذرهایی که توسعه دادیم و تکنولوژی هایی که به وجود آوردیم نشان می دهد که نرخ بازدهی آنها بیش از سرمایه گذاری های عمرانی دولت است و حتی بیش از سرمایه های صنعتی دولت هست پس چرا کمک نمی کنند به سرمایه گذاری در بخش کشاورزی؟ باید به نظر من این پرسش را مورد بررسی بیش تر قرار داد.

نکته دومی که وجود دارد می گویند امنیت غذایی مهم است شما می فرمایید چه سیاستی را در پیش بگیریم در همین سیاست های کلی برنامه ششم، برنامه پنجم و چهارم مگر امنیت غذایی به عنوان یک سیاست کلی نبوده؟ حتی من شنیدم در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی یک دفتر درست کردند تحت عنوان امنیت غذایی. اگر مهم است این نیاز به سرمایه گذاری دارد و دانش فنی هم نیاز به سرمایه گذاری دارد، تکنولوژی هم نیاز به سرمایه گذاری دارد و تحقیق و توسعه هم

نیاز به سرمایه‌گذاری دارد پس چرا فقط سیاست کلی هست ولی عملاً در دستگاه تخصیص منابع یا دستگاه‌هایی که این سیاست‌های تخصیص منابع را انجام می‌دهند ظهور و بروز ندارد؟ من هم می‌دانم امنیت غذایی مهم است و خودم دو تا مطالعه از سال گذشته یکی برای تمام شهرها و روستاهای خوزستان و یکی برای استان تهران مطالعه امنیت غذایی انجام دادم و وضعیت خوبی نیست وضعیت بدی است از نظر امنیت غذایی ولی وقتی که گزارش داده می‌شود در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی هم دفتر درست می‌کنند تحت عنوان امنیت غذایی چرا به سیاست‌ها، به تخصیص منابع آن توجه نمی‌کنند مگر امنیت غذایی چگونه حاصل می‌شود؟ با یک سیاست حاصل می‌شود یا باید این سیاست را تبدیل کرد به برنامه‌هایی در بخش؟ آن بحثی که جنابعالی کردید سرمایه‌گذاری انجام شود آن پرسشی که قبلاً عرض کردم در مورد بانک کشاورزی، پیشنهاد من این است که عنوان کشاورزی را از روی آن بردارید برای چه کشاورزی بدنام شود که یک بانک منابع دارد ولی شبیه بقیه بانک‌ها رفتار می‌کند؟ به عنوان یک بانک توسعه‌ای عمل نمی‌کند این بانک باید پشتیبان منابع مالی برنامه‌های پربازده کشاورزی باشد، وقتی با بانک شما صحبت می‌کنید همکار من آقای دکتر سلامی در آنجاست و مدیران عمال آنجا بوده سال‌ها، وقتی از آنها سؤال می‌کنید بانک کشاورزی را یک بانک تجاری می‌دانند و می‌گویند این‌ها سپرده‌های مردم است و باید بازده داشته باشد و غیره. خوب عنوان آن را نگذاریم کشاورزی وقتی کاری برای کشاورزی انجام نمی‌دهد.

امنیت غذایی باید تبدیل شود به یک سیاست کلان که شده در سیاست‌های کلی رهبری هست ولی باید ببینیم این سیاست کجا باید خودش را نشان دهد. **امنیت غذایی در سازمان برنامه**

خودش را نشان می دهد؟ برنامه امنیت غذایی کشور را چه کسی تصویب می کند و مؤلفه هایش چیست؟ چه کسی اجرایش می کند؟ اگر می خواهیم به بحث امنیت غذایی برسیم من عرض کردم امنیت غذایی وظیفه بخش کشاورزی نیست **این را محکم می گویم امنیت غذایی ربطی به کشاورز ندارد مربوط به حکومت و دولت است**، بله وزارت جهاد کشاورزی چون نماینده دولت هست ارتباط پیدا می کند ولی به کشاورز ارتباطی ندارد که قیمت محصول خود و تخم مرغ خود را پایین نگه دارد و از رقابت جهانی عقب بماند و از همان حمایت های روستایی و حمایت های تولید که نمی شود قیمت گذاری هایی هم که می کنیم. ما کدام کالای صنعتی را این گونه برخورد می کنیم؟ الان فولاد هر کیلوی خام آن ۴ هزار تومان است در بورس قیمت گذاری شده ۱۲ هزار تومان که می شود چند برابر؟ شما یک همچنین چیزی در بخش کشاورزی دارید؟ بخش کشاورزی امنیت غذایی مسئولیت اصلی حکومت است و بعد دولت و بعد وزارت کشاورزی بخشی از وظایف آن که مربوط به حاکمیت هست به این بخش مربوط می شود ولی مربوط به کشاورز نیست که غذای ارزان تهیه کند در اختیار مردم قرار دهید. خود کشاورزی با یک ریسک های ناپایداری ذاتی روبه رو است شما یک **بیمه ور شکسته ای** درست کرده اید که نه دولت سهم خود را می دهد و نه پولی دارد و زمانی که یک ریسک پیش می آید زندگی کشاورز را خراب می کند چه کسی به داد او می رسد؟ باید بیاید و برود و دادگاه و پاسگاه و فرماندار و بخشدار و بیمه و غیره تا یک مبلغ ناچیزی به او پول بدهند با این نمی شود امنیت غذایی درست کرد. ببینید من در برنامه چهارم یک پیشنهاد دادم که متأسفانه در وزارت جهاد کشاورزی این سیاست را متوجه نشدند، آن **سیاست تثبیت درآمد** بود، گفتیم که

ما بیاییم کشاورز را در جاهایی که می‌شود در کشاورزی، مثلاً در واحدهای دامپروری می‌شود در کشاورزی‌های بزرگ می‌شود انجام دهیم و بگوییم ۲ درصد از درآمد خود را بگذار در بانک کشاورزی و دولت هم ۲ درصد بگذارد در بانک کشاورزی که می‌شود ۴ درصد و این بانک کشاورزی هم ۲ درصد سود بیش‌تری به آن بدهد به‌عنوان یک صندوق تثبیت درآمد کشاورزان^۱ (pension plan) و با یک میانگین متحرک (moving average) جلو برود، اصلاً هیچ سیاست حمایتی قیمتی دیگری را کشاورز نمی‌خواهد. هر زمان که ریسک متوجه کشاورز شد درآمد ۵ سال گذشته‌اش را نگاه می‌کند با آن میانگین مقایسه می‌کند و از آن حساب برداشت می‌کند بنابراین یک تثبیت درآمدی دارد تا آخر بازنشستگی‌اش و آن سیاست را متأسفانه نتوانستیم در یک صنعتی از کشاورزی پیاده کنیم. من خودم آن را نوشتم و به آقای دکتر ستاری فر دادم گذاشتیم در برنامه چهارم که در دولت بودم تصویب کردیم و بعدها دیگر رها شد و متوجه این سیاست نشدند و در برنامه‌های بعدی هم دنبال نکردند که این چه سیاست مهمی بود و می‌توانست کمک کند به ثبات در بخش کشاورزی.

عرض من این است که ما اگر امنیت‌ غذایی می‌خواهیم باید برنامه‌اش را داشته باشیم و سرمایه‌گذاری کنیم و بخشی از پس‌انداز ملی‌مان را به این بخش اختصاص دهیم شما به همین صندوق توسعه ملی نگاه کنید در آنجا که بودم سعی می‌کردم تا جایی که می‌توانم به بخش کمک

۱. بند (ز) ماده ۱۸ قانون برنامه چهارم توسعه: ایجاد صندوق تثبیت درآمد کشاورزان با مشارکت درآمدی دولت و کشاورزان جهت سیاست‌های حمایتی درآمدی کشاورزان به‌نحوی که خطرپذیری حاصل از تغییر قیمت‌ها و عملکرد تولید را به منظور تثبیت درآمد کشاورزان کاهش دهد. اساسنامه صندوق یادشده ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

کنم و خیلی هم کمک کردم. ولی این کمک‌ها وقتی در آنجا تعریف می‌شود که بدیم به مرغ‌داری و ماهی در قفس و گلخانه و غیره نگاه کنیم بدون این که به بازارها و منطق آن نگاه کنیم به هر حال من فقط به آقای مهندس حجتی می‌گفتم به این جوانب هم نگاه کنید، همین‌طور آمارها را بالا ببریم، فکر کنید این کارهای پروژه‌ای یک توسعه هست و کمک می‌کند بعضاً ممکن بوده تبدیل به شکست خودشان هم بشود ولی صندوق توسعه ملی را ما گفتیم درآمدهای نفت را از آن جدا کنیم و بیاوریم اینجا. ما از این درآمدهایی که در صندوق توسعه ملی می‌آید باید بخش کشاورزی برنامه بدهد برای همان بحث جهش که جنابعالی اشاره کردید آن دیدگاه دومی که اشاره کردید ما باید یک برنامه بدهیم بگوییم اگر می‌خواهید خروجی امنیت غذایی این باشد باید این نوع سرمایه‌گذاری کنیم، منابع هم داریم با پس‌انداز ملی هست. پس‌انداز ملی بخشی از درآمد نفت اینجا پس‌انداز می‌شود، ۱۰ درصد از آن را می‌دهیم به کشاورزی ولی نباید صرف مرغداری و گاو‌داری کنیم برویم سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی را فعال کنیم و جاهای دیگر را فعال کنیم و رویکردها و مقررات آن را عوض کنیم و واقعاً سرمایه‌گذاری اینجا هست. چرا ما سالی دو میلیارد دلار کمک دفاعی داریم می‌کنیم که در جای خود ضروری است، خب دو میلیارد دلار هم بدهیم به کشاورزی که امنیت غذایی است و فرقی با دفاع ندارد این هم دفاعی هست. یعنی اگر بخواهند می‌توانند ولی شاید اعتقادی به این سیاست‌ها نیست ولی من دلایل تحلیلی‌اش را می‌دانم چی هست ولی خوب پیش نمی‌رود و **صدای بخش کشاورزی ضعیف است.**

من یک بحث دیگری را می‌خواهم عرض کنم و به شما پیشنهاد می‌کنم در مرحله دوم که به آن

توجه کنید و آن همین **شرکت های تعاونی روستایی است که یکی از نهادهای مدنی است** تمام وظایف و ساختارهای فنی و اعتباری و بازرگانی و تجاری را همه این ها را بدهید در اختیار این شرکت ها و اتحادیه ها و آنها را قوی کنید و اگر اکنون ضعیف هست اگر بها داده شود قوی می شود و خودش مردمی است در آن زمان پس اندازهای مردم هم وارد آن می شود بانک کشاورزی را هم به او بدهید و وزارت جهاد کشاورزی چابک شود برای تحقیقات و توسعه و سیاست گذاری که بستر قانونی آن هم وجود دارد. لذا باید از این ظرفیت قانونی که مشارکت مردم را در مدیریت بخش افزایش می دهد، استفاده کند.

آن زمان آن سازمان تعاون روستایی هم که شما اشاره کردید در همان قالب به نظر من قابل تعریف است من خواهش می کنم یک بار دیگر اساسنامه تعاونی های روستایی را شما بخوانید یکبار که شده بخوانید ببینید چه چیزی در این قانون وجود دارد در آن زمان ما تحصیل کرده در روستاهایمان نداشتیم و الان این قدر بیکار روستایی داریم که همان ها می توانند بیانند و مدیرعامل شرکت های تعاونی روستایی شوند هم سازمان تعاون روستایی را راه می اندازد و آن نتایجی که شما اشاره کردید در توسعه خواهد داشت بازار را آن دنبال می کند جاده های بین مزارع را آن دنبال می کند. دولت هرچه دارد منتقل کند در آنجا و مداخلات را کم کند و خود مردم هم سرمایه گذاری کنند. مردم می آیند وقتی که وصل می شوند به چنین نهادی که خودشان مشارکت دارند تا زمانی که روستاییان و کشاورزان را مشارکت ندهیم، قالب مشارکت هم همان بوده که در آنجا صورت گرفته در آن زمان برای اصلاحات ارضی در نظر گرفتند به عنوان یک سازمان پشتیبان ولی الان ما می توانیم آن قانون را

پیاده کنیم و همه ساختارهای فنی و تدارکاتی بخش کشاورزی را بدهیم به آنجا و آن ساختار جدید را ایجاد کنیم و جهاد کشاورزی سبک بتواند کار فنی و تخصصی خود را دنبال کند نه این نگاهی که به تعاون روستایی و سازمان تعاون روستایی داریم و هر کسی دم دست رسیده و شغلی می‌خواهد ببریم و بگذاریم در آنجا، چه بفهمد آن را چه نفهمد. به هر حال این کاری که جهاد کشاورزی و وزارت کشاورزی سابق داشته افرادی را که می‌خواست یک شغل ثانویه‌ای را به آنها بدهد می‌بردند در سازمان تعاونی روستایی. آن سازمان یک سازمان دولتی است و من منظورم آن نیست، حالا آن یک سازمانی باشد که بتواند ساختار آن را هم معاون وزیر باشد و بتواند نظارت کند و حسابرسی کند و نظارت بر آن کار مردمی کند خوب است داشته باشیم ولی نه به این شکلی که ما کل آن را منحل کردیم و فقط مانده آن بخش دولتی که هر وقت محصولی روی زمین می‌ماند می‌گوییم که آنها برونند و بخرند.

❖ دکتر زند:

آقای دکتر یکی از چالش‌ها و معضلات مهم ما نظام بهره‌برداری است. بعد از اصلاحات ارضی نظام بهره‌برداری و ارباب رعیتی به هم خورد و تعاونی‌ها جایگزین آن شدند و این تعاونی‌ها هم تا کنون موفق نبوده‌اند و البته کشت و صنعت‌ها هم موفق عمل نکردند. در حال حاضر تعریف درستی از نظام بهره‌برداری در بخش کشاورزی وجود ندارد. آیا با توجه به این که طی ۵۰ سال گذشته نظام بهره‌برداری تعاونی تأثیری نداشته، واقعاً می‌تواند به گونه‌ای عمل کند که امیدوارکننده باشد؟

❖ دکتر سیدصفدر حسینی:

ببینید آقای دکتر من آن بحثی که عرض کردم شما حتماً آن را مطالعه کنید و ببینید که آن شرکت‌های تعاونی روستایی چی هست. ببینید بعدها ما آمدم در وزارت کشاورزی در سال‌های مختلف رفتیم به دنبال تعاونی‌های تولید و تعاونی‌های مختلف و کارهایی از این قبیل و یک معاونتی بوده تحت عنوان معاونت امور نظام بهره‌برداری که فکر می‌کنم آقای مهندس سیدحسن طباطبایی بودند در آن زمان و این بحث من متفاوت است با آن. بحث من این است که ما سیاست‌گذار را از تدارکات‌چی و پیمانکار توسعه و تدارک را جدا کنیم. بستر آن آماده هست کشاورزی ایران کشاورزی است که به این راحتی نمی‌شود تجمیع کرد و اراضی کشاورزی روز به روز بر اساس ارث و مسائل دیگر خردتر هم می‌شوند باید یک فکر جدی‌تری کرد. من مطالعاتی روی این انجام داده‌ام که چه مسائل پیچیده‌ای را در پیش رو داشته ولی عرض من سیاست‌گذاری است و کارهای عملیاتی و تدارکاتی است. عرض من این بود که ما فعلاً این ساختار بهره‌برداری را داریم باید فکر کنیم راجع به آن درست است ولی اگر ما این شرکت‌های تعاونی روستایی را مبنا قرار دهیم چون متشکل از اعضا هست و همه هم در آن شرکت دارند و عضو هستند و حق عضویت می‌دهند به دست خودشان و با پول خودشان اداره می‌شود و فقط دولت باید امکاناتی که دارد به آنجا منتقل کند، آن سال‌های قبل از انقلاب ما نمی‌توانستیم همچین قانون متری را اجرایی کنیم و یا راه‌اندازی کنیم و بعد از انقلاب هم به دلیل این که این شرکت‌ها مربوط به قبل از انقلاب بوده خیلی به آن توجه نمی‌شد. ولی الان آن بستر و قانون هست ما می‌توانیم کل این بحث بازرگانی کشاورزی و مسائل فنی کشاورزی را به

آنجا منتقل کنیم. الان چه مسائلی را از قبیل مسائل فنی یا آب و خاک داریم که نمی‌توان در قالب آن انجام شود؟ همه این‌ها را ما ملحق کنیم در آنجا. نظام اعتباری را ملحق کنیم به آنجا. در گذشته همین تعاونی‌ها و شرکت‌ها می‌آمدند وام می‌گرفتند و می‌بردند به اعضای‌شان پول می‌دادند که بتوانند سرمایه در گردش‌شان را تأمین کنند ما آن ساختار را باید در کنار نهاد سیاست‌گذاری ایجاد کنیم و آن را بگذاریم برای بحث‌های مختلفی که در آنجا شرح وظایفش هست و یک ساختار جامعی دیده شده‌است. یک ساختار بسیار جامعی دیده‌شده است و اگر می‌خواهیم یک تحولی در کشاورزی ایجاد کنیم باید ساختار و وظایف وزارت جهاد کشاورزی سبک شود باید وزارت جهاد کشاورزی معطوف به یک استراتژی شود معطوف به یک سری راهبردهای مشخص شود تا بتوانیم از دل آن این را به‌دست بیاوریم. شما حتی در سیاست‌های کلی برنامه ششم هم که ملاحظه می‌کنید فقط یک امنیت غذایی و یکی دو تا جمله دیگر هست، چیزی نیست، باید این نگاه در ذهن سیاست‌گذار کلان کشور هم به‌وجود بیاید و این در کجا خودش را نشان می‌دهد؟ در سیاست‌های کلی. سیاست‌های کلی در کجا عملیاتی می‌شود؟ در برنامه‌های توسعه. برنامه‌های توسعه در کجاست؟ سال به سال در برنامه‌های وزارت خانه و دولت و این‌هاست. ما باید آن روند معیوب که ایجاد شده و کشاورزی را عقب نگه داشته با یک تلنگرهای جدید و تحول جدید مواجه کنیم. اگر ساختار آن را عوض نکنیم به همین صورت که عرض کردم، حالا این یک پیشنهاد بنده هست، من با تجربیاتی که دارم و تحقیقاتی که دارم این را عرض می‌کنم.

یک زمانی جناب آقای خاتمی یک برنامه از من خواست برای وزارت کشاورزی من همین برنامه را دادم،

گفتم کاری که می‌کنم این شرکت‌های تعاونی روستایی را محور همه کارهای تدارکات و بازار و اعتبارات و همه این‌ها می‌کنم و **وزارت کشاورزی را تبدیل می‌کنم به تحقیق و توسعه یعنی معاونت تحقیقات و توسعه و سیاست‌های کشاورزی**. ما الان می‌توانیم ولی در آن زمان‌ها نمی‌توانستیم، در ۳۰ سال پیش نمی‌توانستیم ولی الان که اینقدر فارغ‌التحصیل داریم که شرکت‌ها را می‌توانند اداره کنند. الان ما دنبال شرکت‌های دانش‌بنیان هستیم که در همان جا خیلی کارهای دانش‌بنیان می‌تواند شکل بگیرد. بهره‌وری‌ها همان جا با تشویق آنها می‌تواند شکل بگیرد. به رقابت بیندازیم برای این که این‌ها کارایی را بالا ببرند **باید مردم را مشارکت داد کشاورزان را مشارکت داد** و گرنه شما می‌بینید که وزارت کشاورزی، کشاورزی نمی‌کند. ما سیاست‌گذار باید باشیم و باید طرح نو در انداخت برای کشاورزی کشور هم به لحاظ ساختارها و هم استراتژی که باید داشته باشد متناسب با آن استراتژی باید ساختار باشد متناسب با آن ساختارها ما باید برنامه‌ها را دنبال کنیم در کشاورزی در آن زمان هم سرمایه‌گذاری هم می‌آید و همان شرکت‌های تعاونی روستایی می‌توانند همین بانک کشاورزی بانک آنها باشد و صندوق توسعه ملی هم ده درصد منابع ارزی خودش و بیست و سی درصد از منابع ریالی خود را به آن اختصاص دهد و مردم هم الان آگاه هستند و با گذشته فرق می‌کنند و اقتصادی عمل می‌کنند و می‌روند به دنبال اقتصاد دانش‌بنیان و باید کشاورزی را از وضع موجود به طور کلی خارج کرد. شما الان خودتان مشاور وزیر هستید ببینید آقای وزیر از جلسه می‌آید ارز ۴۲۰۰ چه شد و غیره یعنی گرفتاری‌هایی که در آن اصلاً توسعه محلی از اعراب ندارد بعد هم خود جنابعالی چون یک ویژگی خاصی داشتید با دانشگاهی‌ها تماس می‌گرفتید ولی ببینید وزیر کشاورزی در سی سال گذشته در استان‌های مختلف که بازدید کرده در کدام دانشکده کشاورزی سخنرانی کرده یک

مورد برای من بیاورید، **بگوید شما دانشکده‌های کشاورزی اتاق فکر من هستید**، من سؤالات و پرسش‌هایم این است. ما کنفرانس اقتصاد کشاورزی می‌گذاریم و وزیر را دعوت می‌کنیم نمی‌آیند و می‌رویم وزیر اقتصاد دعوت می‌کنیم می‌آیند. وزیر کشاورزی ما در کدام یک از دانشکده‌های کشاورزی ایران در سی سال گذشته رفت و گفت می‌خواهم راجع به سیاست‌های صحبت کنم برای دانشکده کشاورزی هر استانی در ایران. وجود ندارد چون اصلاً ارتباطی ندارد و اصلاً به ذهن او نمی‌رسد و نیازی نمی‌بیند این نگاه باید تغییر کند، این که عرض کردم **ذهن کشاورز و ذهن سیاست‌گذار باید تغییر کند** تا تغییرات و توسعه در این نهاد اتفاق نیفتد، توسعه در ساختمان و جاده و آسفالت و این‌ها که نیست، **توسعه باید در درون جان من انسان اتفاق بیفتد خیرخواه باشم**، مصلح باشم و خروجی‌ها مشخص باشد و کارآمد باشم و منابع را تلف نکنیم، عقلانی فکر کنیم نه احساسی این‌ها مسائلی هست که وجود دارد در بخش کشاورزی و این دانشکده‌های کشاورزی ما که برای خودشان تحقیق می‌کنند. شما بروید در دانشکده‌های کشاورزی در گروه زراعت ببینید اصلاً گرند تحقیقاتی دارند؟ همین‌طور در گروه اقتصاد کشاورزی و غیره. مسائل ما این است که هم دانشکده‌های کشاورزی ما در کنار هستند و این تلنگری که در این کتاب دارید می‌زنید باید به این موضوع تلنگر بزنید **باید ما از خواب بیدار شویم و ذهنیت‌ها را عوض کنیم**، نه بگوییم گندم اینقدر بوده و شده این و شاخص اینقدر بوده شده این. این‌ها کمکی نمی‌کند و همیشه در برنامه‌های توسعه ما هست. من به نظرم می‌آید ما باید چنین نگاه و تلنگرهایی داشته باشیم به کشاورز، سیاست‌گذار، مخاطبین، دانشگاه‌ها و دانشکده‌های کشاورزی که بتوانیم جهت کشاورزی و وزارت کشاورزی را عوض کنیم.

❖ دکتر خلج:

خیلی متشکر در تداوم فرمایشات جنابعالی که تولید باید مؤلفه‌ای از بازار باشد و قبل از آن که بازار را پیش‌بینی کنیم نباید تولید داشته باشیم و از طرف دیگر به موضوع ارز اشاره کردید. پیش‌بینی این روزها، تخمینی از احتمال آزادسازی ارز برای تأمین نهاده‌های بخش کشاورزی را در ذهن متبادر می‌کند. اگر نهاده‌های کشاورزی با ارز ۴۲۰۰ تومانی تأمین نشود، سرمایه در گردش مورد نیاز کشاورز افزایش پیدا می‌کند و قیمت تمام شده محصول بالا می‌رود. بازار مصرف اعم از داخلی و یا بازار کشورهای دیگر است و دو مؤلفه سلامت که شرط لازم است و قیمت که شرط کافی است، اساس رقابت را شکل می‌دهد حالا با این افزایش قیمت دیدگاه شما چیست؟ آیا منجر به شرایط بهتری برای بخش کشاورزی خواهد شد؟

❖ دکتر سیدصفدر حسینی:

ببینید آقای دکتر این دیگر سیاست‌گذار است که می‌خواهد تصمیم بگیرد، اگر سیاست‌گذار بخواهد نرخ ارز را عوض کند و بگوید نرخ ارز آزاد است پس قیمت محصول کشاورزی هم باید آزاد باشد و حمایت هم روی آن باشد. یعنی نه تنها باید آزاد باشد بلکه باید از آن حمایت هم کرد، اگر دولت توانمند این کار است و می‌خواهد انجام دهد خوب انجام دهد ولی دیگر ستاد تنظیم بازار درست نکند. ستاد تنظیم بازار را تعطیل کند و گر نه این که بگوید ارز ۴۲۰۰ را من ۱۵ میلیارد دلار در بخش

کشاورزی با ارز ۴۲۰۰ بعدش می‌آمدم می‌گفتم شیر این است و گندم این است و محصولات دیگر این است اگر دولت به اینجا رسیده خوب انجام دهید. من اعتقاد دارم **ما در سیاست گذاری دچار یک خطای مهلک هستیم ما صفر و صد هستیم یا صفر را می‌چسبیم یا صد را می‌چسبیم.** این کار در سیاست گذاری غلط است. **سیاست گذاری تدریجی است و انقلابی نیست** و تدریجی صورت می‌گیرد. آیا با این سیاستی که می‌خواهند بگذارند برای همین صنعت خودرو ایران که اگر تعرفه را صفر کنند یک دستگاه از کالاها فروش نمی‌رود این کار را می‌کند دولت؟ اگر نمی‌کند برای بخش کشاورزی هم نکند برای بخش کشاورزی که اولی‌تر است. من متوجه هستم که دولت منابع و امکانات ندارد و می‌خواهد بیاید این‌ها را همه را برگرداند من به نظرم عیب ندارد ما بیاایم یک کار را بکنیم، یک سیاست اصولی را به دولت پیشنهاد دهیم، بگوییم کشاورزان ما حمایت از شما نمی‌خواهند منتها قیمت‌های ارزی را با قیمت ارز تعادلی ما حساب می‌کنیم نه نرخ ارز نیمایی. ارز تعادلی چه معنایی دارد؟ چون ما چند تا نرخ ارز داریم ولی آیا فرانسه نرخ‌های ارز مختلف دارد؟ خیر، آلمان نرخ‌های ارز مختلف دارد؟ خیر، نرخ ارز آنها نرخ ارز تعادلی بلندمدت است، یعنی بازارهای بلندمدت می‌گوید نرخ ارز ما چقدر باشد می‌گوید به طور مثال ۳۰ هزار تومان باشد. من خودم در برآورد نرخ ارز تعادلی چندین مقاله نوشتم و سیاست‌های کشاورزی را هم با این مقایسه کردم که نشان می‌دهد که **دولت در هیچ جا از کشاورزی حمایت نکرده بلکه مالیات پنهان هم گرفته.** عیب ندارد بیاید با این نرخ ارز تعادلی محصولات وارداتی را حساب کند و نرخ ارز را هم عوض کند، حمایت نکند، در آن زمان ما متوجه می‌شویم که با این مقایسه ارزی این‌ها منتها با نرخ ارز

تعادلی می‌فهمیم که دولت دارد در کشاورزی از گندم حمایت می‌کند یا نه؟ از چغندر قند حمایت می‌کند یا خیر؟ شما می‌دانید که سالیان سال است که کشورهای اروپایی و کشورهای مختلف هم به آن پیوسته‌اند مثل هند و چین و روسیه و غیره که با شاخص حمایت کل^۱ (TSE) دارند حمایت‌های کشاورزی را سنجش می‌کنند. یعنی بر اساس شاخص حمایت کل مقایسه می‌کنند براساس قیمت‌های ارزی آیا حمایت می‌کنند؟ اگر بیش از آن نرخ ارز تعادلی و قیمت کالای وارداتی انجام می‌دهند می‌گویند حمایت می‌کنیم و گرنه اگر ما یک شاخص نداشته باشیم نمی‌توانیم چنین ادعایی بکنیم، بلکه من موافق هستم با شاخص TSE اگر دولت بیاورد و نرخ ارز تعادلی را محاسبه کند و ارز را بر این اساس حساب کند نمی‌توانیم چنین ادعایی بکنیم، من موافقم که حمایتی هم از کشاورزی انجام ندهد. در این مورد مقالات و تحقیقات و تجربیات فراوانی انجام شده و این را نشان می‌دهد ولی دولت به این پایبند باشد نه این که از این طرف این را بگذارد و از طرف دیگر تنظیم بازار بگذارد و به شما بگوید که قیمت‌ها باید این گونه باشد. این امکان‌پذیر نیست.

❖ دکتر خلج:

آقای دکتر آخرین سؤال این است که اگر حضرت‌عالی بخواهید یک شعار یا جمله یا عبارت کوتاه بگویید که بر اساس آن گفتمان‌سازی شود و بتواند مشکل بخش کشاورزی را کاهش دهد آن جمله چه خواهد بود؟

1. Total support estimate

❖ دکتر سیدصفدر حسینی:

در راستای آن تغییر ساختاری که عرض کردم اعتقاد دارم که ما اگر **سیاست مشارکت جویی** را در پیش بگیریم یعنی با مشارکت روستاییان و کشاورزان سیاست‌های کشاورزی و تحولات در کشاورزی را دنبال کنیم به نظر من مشارکت را محور قرار دهیم خوب است. **الان کشاورزان در هیچ برنامه‌ای از کشاورزی و سیاست‌های برنامه‌های توسعه آن مشارکتی ندارند.**

❖ دکتر زند:

جناب آقای دکتر سیدصفدر حسینی از مشارکت ارزشمند جنابعالی در برنامه تاریخ شفاهی کشاورزی ایران سپاسگزاریم.



ISBN : 978-622-363-101-6



9 786223 631016



تشر آموزش کشاورزی